

**عنوان: ناسیونالیزم مدنی از مسیر قانونگذاری های کیفی در ایران؛**  
**(مطالعه سیر کنشگری های منتهی به تصویب قوانین کیفی حامی هویت های قومی – مذهبی در**  
**ایران)**

حسین میرمحمد صادقی، استاد، گروه حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی،

تهران، ایران [drsadeghi128@yahoo.com](mailto:drsadeghi128@yahoo.com)

علیرضا قرقانی (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرمشناسی، دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران [alireza.gharaghani@gmail.com](mailto:alireza.gharaghani@gmail.com)

### **چکیده؛**

ناسیونالیزم مدنی گونه ای از "اعتقاد به ملت" است که علی رغم وجود تنوع و چند پارچگی در مولفه های فرهنگی، قومی، مذهبی، عمدتاً بر اساس حق برابر شهروندی و اراده با هم زیستن، تعریف می شود. در ایران از زمان مشروطه تا کنون، تکاپو برای اولویت یافتن اندیشه ناسیونالیزم مدنی بر گونه های رقیب یعنی ناسیونالیزم فرهنگی و قومی که در آنها تاکید بر زبان، دین، تاریخ، یا میراث مشترک و احیای تمدن عظیم گذشته قرار دارد، در جریان می باشد. هر چند در بیشتر این دوران، غلبه با رویکرد فرهنگی بوده است اما سرعت رشد گونه مدنی آن از بستر قانونگذاری های کیفی، از دهه هشتاد فزونی گرفت و در اواخر دهه نود با ارائه شدن سه طرح در مجلس دهم و یازدهم به اوج خود رسید. طرح های مزبور عبارتند از طرح «توهین به ادیان و مذاهب قانونی، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع قومیت ها»/ طرح «الحاق دو ماده به قانون مجازات اسلامی/ و طرح «مبارزه با تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی» که نهایتاً بخش هایی از محتوای هر سه طرح با هم ادغام شده و در قالب مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، صورت قانونی به خود گرفت. در این قانونگذاری های دهه نود، مطالبه مردمی از یک سو و اجابت مراتب از سوی نمایندگان منتخب ملت در مجلس، خاصه نمایندگان هویت های قومی و مذهبی در اقلیت، نقش پررنگی دارد. هر چند این تلاش ها، کماکان ناتمام است و خلاء های جدی به ویژه از باب ابعاد اثباتی همچنین گستره شمول، وجود دارد.

**واژگان کلیدی؛ ناسیونالیزم مدنی، اقلیت های قومی – مذهبی، توهین به اقوام و مذاهب، خواست عمومی، قانونگذاری کیفی**

در مطالعه پیشینه تولد و تصویب هر قانونی یا نسخ قانون و جایگزین شدن مقررہ دیگری به جای آن، می توان سرگذشت یک ملت و تغییر و تحولات افکار و اندیشه ها را مشاهده نمود؛ ملاحظه اینکه منشاء پیدایش قانون چه بود و گروه ها و نیروهای ذی نفوذ پدیدآورنده آن قوانین<sup>۱</sup> چه کسانی بودند؟ آیا انتظارات، عرف و خواسته های مردم در آن قانونگذاری لحاظ گردید؟<sup>۲</sup> آیا استمزاج و نظرسنجی یا حتی همه پرسی از اتباع کشور در روند قانونگذاری مزبور بعمل آمد؟ بر این سبیل، مهیا بودن یا نبودن عرصه برای کنش گری مردم، تشکّل ها، گروه های مردم نهاد و به طور کلی ذینفعان یک امر در فرآیند قانونگذاری های ایران، موضوعی است که در عمل و نظر کمتر به آن پرداخته شده است.

زنده یاد دکتر ناصر کاتوزیان، قانون را فشرده "خواست عمومی" و مجلس را محلی برای تحقق "خواست عمومی" می دانستند.<sup>۳</sup> اگر بخواهیم از خواست عمومی یک تعریف جامع ارائه بنماییم که همه تفاسیر از آن را در بر بگیرد، می توان خواست عمومی را به امکان نقش آفرینی و مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم مردم و گروه های مردمی در سیاستگذاری ها و قانون گذاری ها دانست. ذیل بند نهم از سیاست های کلی نظام قانونگذاری ایران ابلاغی از سوی مقام رهبری در تاریخ ۹۸ / ۷ / ۶، در راستای تصویب قوانین، ملاحظات ویژه ای درج شده است از جمله: "معطوف بودن به نیاز واقعی، ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تاثیر اجرای قانون، نگاه بلند مدت و ملی، جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی نفعان و نهادهای قانونی مردم نهاد تخصصی و صنفی در فرآیند قانونگذاری، عدالت محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا و...!"

همانگونه که فوقاً مذکور افتاد، حداقل به لحاظ نظری می توان در موازین قانونگذاری ایران، از امکان کنشگری گروه های مردمی و ذینفعان سخن به میان آورد اما برخی صاحب نظران معتقدند که؛ نقش گروه های ذینفع در نظام قانونگذاری ایران نادیده گرفته شده و تاکنون محملی برای کنشگری عموم مردم و تعبیه ابتکار<sup>۴</sup> عام قانونگذاری برای مردم و گروه های مردمی فراهم نشده است.<sup>۵</sup> باری، کاربست ملاحظات مندرج در سیاست های کلی قانونگذاری ایران به شرح سطور فوق در گستره سیاست جنایی به ویژه در قانونگذاری های کیفری ایران، موضوع قابل تاملی است که مجال مفصلی می طلبد؛ پژوهش پیش رو در صدد مطالعه سیر تصویب قوانین کیفری حامی هویت های قومی - مذهبی در ادوار مختلف قانونگذاری های ایران است؛ در این مطالعه، تلاش می شود که با اتکاء به برخی داده های تجربی و نیز منابع کتابخانه ای و دیجیتال (فضای مجازی)، به صورت تحلیلی و توصیفی، فراز و فرود تلاش ها و کنشگری های منتهی به تصویب قوانین کیفری حامی هویت های قومی - مذهبی در ایران از سوی گروه های ذینفع منسوب و منتسب به این هویت ها نیز مورد مذاقه قرار بگیرد.

**۱- طرح مساله؛** برخی از فیلسوفان نامدار معاصر همچون هابرماس و جان رالز بر این باورند که سکولاریزم و مدرنیته نتوانسته اند از رنج انسان بکاهند؛ به همین دلیل با ارائه برخی شواهد همچنين با ایده پردازی اصطلاح "پُست سکولاریزم"،

<sup>۱</sup> ژرژ ریه، نیروهای پدیدآورنده حقوق، ترجمه رضا شکوهی زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۶ ص ۱۰۴.

<sup>۲</sup> پرویز صانعی، حقوق و اجتماع (رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی)، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱ ص ۹۹.

<sup>۳</sup> ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۱، ص ۲۰۵ و ۲۴۵.

<sup>۴</sup> ابتکار قانون عبارت است از حق تنظیم و ارائه پیشنهاد در جهت وضع قانون جدید یا اصلاح قانون موجود. ابوالفضل قاضی، بایسته های حقوق اساسی،

چاپ هفتم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰ ص ۲۳۹.

<sup>۵</sup> باقر انصاری، اصول و فنون قانونگذاری؛ تنظیم پیش نویس طرح ها و لوایح، تنقیح و تدوین قوانین، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۹. ص ۱۵۵

معتقدند که دین در تکاپوی حضور مجدد در عرصه حوزه عمومی کشورهای غربی می باشد.<sup>۶</sup> از دیگر سو، یکی از فقهای نواندیش معاصر معتقد است که؛ در خصوص رابطه شهروندی در یک جامعه دینی باید تقسیم بندی مومن و کافر را کناری نهاد چرا که این دو تعبیر امری قلبی بوده و ربطی به روابط اجتماعی و همزیستی ندارند. در روابط اجتماعی باید این تقسیم بندی جای خود را به "مسالم و محارب" بدهد. منظور از مسالم نیز فردی است که جنگ طلب نیست و سلاح در دست ندارد و نظم اجتماعی و آسایش دیگران را تهدید نمی کند. در نقطه مقابل، غیرمسلمانان حربی نیز کسانی ارزیابی می شوند که به نحو بالفعل و فقط به خاطر دین با مسلمانان در حال جنگ باشند.<sup>۷</sup>

با عنایت به مراتب فوق، واقع امر آنست که جمعیت ایران متکثر بوده و از اقوام و مذاهب و ادیان مختلف تشکیل شده است. قابل انکار نیز، نیست که حافظه تاریخی ایرانیان می تواند از اصطکاکات قومی - مذهبی، شاهد مثال های زیادی نقل بنماید. اخیراً یکی از پژوهشگران حوزه حقوق جزای بین الملل<sup>۸</sup> که انجام مطالعات نظری و تجربی در حوزه نسل کشی در مقر دادگاه کیفری بین المللی را نیز در سوابق خود دارد، در رسانه فضای مجازی خود اینگونه اظهار نظر نموده است؛ «به عنوان کسی که سال ها در حوزه نسل کشی مطالعه کرده ام از مشاهده این همه نشانه فزاینده دو قطبی شدن در جامعه و متراکم شدن نفرت در ایران واهمه دارم. هیچ جامعه ای مصون از نسل کشی نیست. نسل کشی یک حادثه نقطه ای نیست یک فرآیند است. درمانش تنها مدارا و پذیرش تفاوت هاست». اگر نخواهیم موضوع را به شدت اعلام شده از سوی ایشان هم بدانیم، حقیقت آن است که حداقل در دهه نود شمسی شاهد تنش ها و اصطکاکات قومی - مذهبی فراوانی در سطح کشور بوده ایم؛ ابعاد برخی از این مصادیق از سطح اعتراضات و اجتماعات خیابانی و منطقه ای عبور کرده و به موضوعی امنیتی در سطح کشوری انجامید از جمله؛

توقیف روزنامه محلی «طرح نو» در تبریز به جهت درج مطلبی با عنوان؛ «هفت خوان رستم» و توقیف روزنامه «ایران» در پی درج یک کاریکاتور (سوسک)، که منجر به اعتراض آذری زبان ها گردید؛<sup>۹</sup> تعطیلی برنامه کودک موسوم به «فیتله»، به جهت شائبه توهین به آذری زبان ها؛ توقف پخش سریال «سرزمین کهن» به جهت شائبه توهین به بزرگان قوم بختیاری؛ اعتراض ارامنه و مسیحیان ایران پیرامون تلقی توهین به هویت و ایمان مذهبی مسیحیان در فیلم های «اکسیدان و مادر قلب اتمی» که حتی جنجال آن به مجلس شورای اسلامی نیز کشیده شد؛ اعتراض مردم و نیز نمایندگان مجلس استان مازندران به نحوه روایتگری فرهنگ و گویش مازنی در سریال «پایتخت؛ اعتراضات و تظاهرات گسترده اعراب استان خوزستان در پی لحاظ نشدن موجودیت و هویت ایشان به عنوان اقوام مستقر در گستره جغرافیایی این منطقه در یک برنامه کودک موسوم به کلاه قرمزی؛ ماجرای احراز صلاحیت یک شهروند زرتشتی در انتخابات شورای شهر یزد؛ آتش سوزی در اماکن مقدس یهودیان در همدان؛ ماجراهای پرتکرار گرایش های پان ترکیسم در استادیوم بازی های تیم تراکتورسازی؛

<sup>۶</sup> آرمان زارعی، پست سکولاریسم؛ دین، دولت و حوزه عمومی در غرب، چاپ اول تهران، نشر نی، ۱۳۹۷ ص ۲۵، ۱۱۸، ۱۳۱.

<sup>۷</sup> سیدمصطفی، محقق داماد، قواعد فقه ۵ بخش عمومی؛ سیاسی، اداری، حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، ۱۳۹۹ ص ۷۰ و ۱۲۷.

<sup>۸</sup> پیچ توئینر و اینستاگرام دکتر محمد هادی ذاکر حسین. M.H.Zakerhossein

<sup>۹</sup> این رخداد حتی در شهر تبریز، کشته نیز داده است؛ بعلاوه ناآرامی های برخاسته از موضوع، در سال ۸۵ به مجلس کشیده شده و حتی برخی از نمایندگان، پیش نویس قانونی پیرامون مجازات توهین به اقوام را نیز تهیه و به مجلس ارائه می نمایند لیکن از قرار معلوم به جهت کمبود وقت تا انتهای مجلس ششم، طرح مزبور به سرانجام نمی رسد. سایت اعتدال پرس آذربایجان؛ مورخ ۹۴/۸/۲۱، کد خبر ۳۳۲۴۵. www. Etedalpress.ir

حواشی اظهارات یک مقام مذهبی اهل تسنن در آزادشهر استان گلستان پیرامون نقش خلیفه دوم در ازدواج امام حسین (ع)؛ ماجرای بکار برده شدن تعبیر «معاویه صفت» در کلام ریاست فعلی قوه قضاییه که ظاهراً به دلیل محترم بودن شخصیت معاویه برای برخی از اهل تسنن، موجب مکدر شدن برخی از متنفذین اهل سنت کشور گردید.<sup>۱۱</sup> به مصادیق فوق بایستی «تفکرات و تصورات قالبی»<sup>۱۱</sup>، یعنی برچسب‌هایی که هر روزه نسبت به اقوام و یا اهالی برخی مناطق کشور منتسب می‌شود را نیز افزود.<sup>۱۲</sup> بی‌گمان مصادیق این اصطکاک‌ها در کشور و برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی، به موارد فوق خلاصه و محدود نشده و در آتیه نیز به طور اجتناب‌ناپذیری جلوه خواهد کرد. لذا بایستی برای مقابله با این طغیان احساسات، چاره‌جویی نموده، آن را جدی گرفت.<sup>۱۳</sup> نحوه چاره‌جویی و جدی گرفته شدن موضوع حاضر در قلمرو مقررات کیفری ایران، ما را به پرسش‌های پژوهش رهنمون می‌شود؛

**۲- پرسش‌های پژوهش؛** با امان نظر نسبت به مطالب مطروحه در بخش مقدمه و طرح مساله اخیرالذکر، تداوم پژوهش حاضر در صدد یافتن پاسخ برای پرسش‌های ذیل است؛

**پرسش اصلی؛** در ادوار مختلف قانونگذاری‌های کیفری ایران (از انقلاب مشروطه تا پایان دهه نود شمسی)، حرمت و هویت اقلیت‌های قومی - مذهبی، با چه مقرراتی «پاس» داشته شده و به چه کیفیتی تضمین شده است؟

**پرسش فرعی؛** با در نظر گرفتن سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری ایران، در روند تصویب قوانین کیفری حامی هویت‌های قومی - مذهبی در ایران، چه سهمی برای کنش‌گری و تلاش‌های گروه‌های ذینفع منسوب و منتسب به این هویت‌ها می‌توان قائل بود؟

**۳- تعریف هویت‌های قومی - مذهبی؛** گفته می‌شود که تاکنون تعریف پذیرفته شده‌ای در هیچ یک از اسناد بین‌المللی از «هویت‌های در اقلیت»<sup>۱۴</sup> ارائه نشده است. دانشنامه حقوق بین‌الملل عمومی<sup>۱۵</sup> در تحلیل مفهوم اقلیت به دو دسته عناصر عینی و ذهنی توجه نموده است. عناصر عینی به طور عمده حول دو محور عدد و استیلاء متمرکزند و عناصر ذهنی حول مساله اراده مشترک گروه بر حفظ ویژگی‌های اختصاصی آن‌ها است. با این وجود، تنها حقی که به طور جدی به عنوان حق گروهی اقلیت‌ها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مقرر شده است، «حق بر هویت» می‌باشد.<sup>۱۶</sup> برخی صاحب‌نظران، قومیت و مذهب را متداخل در یکدیگر تعریف نموده و معتقدند برای تشخیص گروه‌های قومی از یکدیگر، می‌توان از ویژگی‌های مختلف استفاده کرد اما معمول‌ترین آنها عبارتند از زبان، تاریخ یا تبار، مذهب و شیوه‌های لباس پوشیدن و

<sup>۱۰</sup>. با جستجو نمودن کلیدواژه‌های مربوط به هر یک از مصادیق نامبرده، جوانب و حواشی آنها در فضای سایبر قابل رویت است.

11. stereotypes/ stereotypical thinking

<sup>۱۲</sup>. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، چاپ سی و پنجم، تهران، نشرنی، ترجمه منوچهر صبوری، ۱۳۹۹ ص ۲۸۱.

<sup>۱۳</sup>. در سطح بین‌المللی، تخصصات منبعث از علقه‌های قومی - مذهبی راه، واجد وصف کیفری بسیار سنگین دانسته و آن را در قالب جرائم نسل‌کشی و یا جرایم علیه بشریت قابل تعقیب و رسیدگی در دادگاهی بین‌المللی موسوم به «دیوان کیفری بین‌المللی» دانسته‌اند. مواد شماره ۵، ۶، ۷ اساسنامه دیوان، مفصلاً بدین موضوع پرداخته است. نگاه کنید؛ غلامرضا محمدنسل، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، (تهران؛ نشر دادگستر، ۹۱)، ص ۱۴-۱۶.

14. Minorities

15. Encyclopedia of Public International law

<sup>۱۶</sup>. سید محمد قاری سید فاطمی، جستارهایی تحلیلی در حق‌ها و آزادی‌ها، دفتر دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶ ص ۳۱۸ و ۳۲۱.

آرایش.<sup>۱۷</sup> ملاحظه می شود که در تعریف فوق، مذهب بخشی از قومیت تلقی شده است. مورد تبعیض واقع شدن، وجود حس همبستگی گروهی، جدا بودن از اجتماع بزرگتر، متمایز بودن از اکثریت و ... از ویژگی های این اقلیت ها دانسته شده است.<sup>۱۸</sup> لیکن با در نظر گرفتن واقعیات جامعه ایران، به نظر می رسد که مولفه اقوام (قوم) با ادیان ( و مذاهب) لزوماً منطبق بر هم نبوده و هر یک تعریف، مضامین، گستره و مقتضیات خاصه خود را دارد. شاید با تسامح بتوان گفت که واژه «اقوام» در بردارنده عناصر نژادی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم و حتی جغرافیا است؛ در حالی که تعبیر «ادیان و مذاهب» صرفاً باورها و اعتقادات مبتنی بر ماوراء الطبیعه و نیز نوعی اولوهیت و تقدس را در گستره خود گنجانده اند. توضیحاً در ایران، انطباق اقلیت قومی و مذهبی به صورت توأمان قابل تصور است مانند کردهای اهل تسنن غرب ایران یا ترکمن های سنی مذهب استان گلستان، در حالیکه هویت های قومی آذری و بختیاری، شیعه مذهب و در اکثریت مذهبی می باشند. در تداوم پژوهش حاضر و در راستای سهولت بحث، بیشتر از تعبیر "هویت های قومی - مذهبی" استفاده خواهد شد و تمرکز، بیشتر بر گونه ای تفاوت و مطالبات خاص از جنبه های قومیت یا مذهب خواهد بود.

**۴- ناسیونالیزم مدنی به چه معناست؟** در جریان تکوین ملت ها در دو قرن گذشته، حداقل از سه نوع "اعتقاد به ملت" نام برده شده است؛ **اول** اعتقاد به ملت های "فرهنگی"<sup>۱۹</sup> است که دارای هویت اختصاصی اند. ادعا این است که این هویت ریشه در زبان، دین، تاریخ، یا میراث مشترک مردم دارد. **دوم** اعتقاد به ملت های "قومی"<sup>۲۰</sup> است؛ این ناسیونالیزم از جنس همان ناسیونالیزم فرهنگی است اما در نوع فرهنگی آن، میراث مشترک تاریخی در قالب احیای تمدن عظیمی که در گذشته بوده جستجو می شود اما در نوع قومی، به جای تمدن، بر گروه های "هم زبان و هم مذهب" که ریشه خود را به نیاکان واحد بازمی گردانند، تاکید می شود. نوع **سوم** که رویکرد مختار در پژوهش پیش روست، اعتقاد به ملت های "سیاسی یا مدنی"<sup>۲۱</sup> است که عمدتاً بر اساس حق برابر شهروندی و اراده با هم زیستن، تعریف می شوند. فرض بر این است که حکومت این ملت ها در نتیجه اراده و انتخاب آزاد همه شهروندان برابر، تشکیل شده است. این ملت ها از لحاظ فرهنگی و قومی دارای تنوع و چند پارچگی اند. ناسیونالیزم در نظریات بنیانگذاران جامعه شناسی (مارکس، دورکیم و وبر) به معنای "مدنی" ملت مطرح بوده است. به باور آنها افراد کهنه و رها شده از وابستگی های فرهنگی و قومی جوامع پیشامدرن، تنها در چارچوب تلقی مدنی از ملت، مجدداً قرار و سامان و امکان همزیستی می یابند. برخی صاحب نظران معتقدند که از سوی حکومت های ایران، اعتقاد به ملت فرهنگی با تاکید بر میراث تمدنی ساسانی (در دوران پهلوی) و با تاکید بر تفسیر خاص از میراث مذهبی شیعیان (پس از انقلاب) تبلیغ شده و با قدرت حکومت ها نیز پشتیبانی شده است.<sup>۲۲</sup> بیش از صد سال است که ناسیونالیزم با جهت گیری های سه گانه آن در ایران جریان دارد. در تجربه مدرنیته ایران، ناسیونالیزم مدنی با ناسیونالیزم

<sup>۱۷</sup> . گیدنز، همان ص ۲۷۸.

<sup>۱۸</sup> . همان ص ۲۷۹.

19. Cultural nation  
20. Ethnical nation  
21. Political / Civil nation

<sup>۲۲</sup> . حمیدرضا جلالی پور، جامعه شناسی سیاسی ایران ( تلاش های چهار ساله ملت و دولت ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰ ص ۲۵۷، ۲۵۸ و ۲۷۰-۲۷۶.

فرهنگی و قومی در چالش بوده و به صورت توأمان در تداوم بوده اند. هنوز در جامعه ایران ناسیونالیسم مدنی دست بالا را ندارد.<sup>۳۳</sup>

علت نام گذاری عنوان پژوهش حاضر به تیتیر؛ « ناسیونالیسم مدنی<sup>۳۴</sup> » نیز، تکاپو و مطالبه همیشگی و قابل درک گروه ها و اقلیت های قومی - مذهبی در امکان به رسمیت شناختن حداکثری موجودیت و هویت ایشان به عنوان "شهروند تمام عیار" است؛ خواسته ای که چه بسا اولین و مهمترین خواست عمومی و قاطع نامبردگان در ایران بوده و می باشد.

**۵- بازه زمانی پژوهش؛** با امان نظر نسبت به مراتب فوق، پژوهش حاضر به سه مقطع زمانی مختلف تقسیم شده است؛ **اول.** مطالعه قانون گذاری های از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛ **دوم؛** مطالعه قانون گذاری های پس از انقلاب اسلامی تا اوایل دهه نود؛ **سوم.** دوره نوین قانون گذاری ایران (دهه نود شمسی)؛ با این توضیح که تاکید اصلی بر قوانین کیفری تصویب شده در این دوره ها خواهد بود هر چند که در راستای تنویر جوانب امر، ناگزیر از ذکر مستنداتی تاریخی، فقهی و جامعه شناختی خواهیم بود.

## ۶- دوره اول؛ مطالعه قانون گذاری های از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی؛

### ۶-۱. جایگاه هویت های قومی - مذهبی در قلمرو فقه جزایی پیشامشروطه؛

با غور در آثار فقهی سنتی به ویژه در بستر فقه جزایی، با احکام ویژه ای بر بنیان تفاوت در جایگاه حقوقی و اجتماعی نسبت به اقلیت های دینی و مذهبی مواجه می شویم؛ احکامی از قبیل پرداخت خراج و جزیه، احکام طهارت و نجاست جسم و طعام ایشان، تفاوت در میزان دیه، عدم امکان قصاص قاتل مسلمان، اجرای برخی مقررات اجتماعی نسبت به هویت های در اقلیت مانند تعیین محل های خاص برای سکونت ایشان یا تعیین نوع پوشش یا علامت خاص در راستای قابل تشخیص بودن نامبردگان و ...<sup>۲۵</sup> گفته می شود که احکام فقه شیعه در خصوص اقلیت ها به شرح فوق را اولین بار شیخ طوسی در قرن چهارم به صورت جامع تدوین نموده و قریب به اتفاق فقهای پس از ایشان نیز، همین عقاید و فتاوی شیخ طوسی را عیناً و بدون جرح و تعدیل خاصی طبق اوضاع و احوال زمانه خود، بازگو نموده اند.<sup>۲۶</sup>

در ادبیات فقه اسلامی، «علم السیر» به روش رییس دولت اسلامی در برخورد با غیرمسلمانان اطلاق می شود؛<sup>۲۷</sup> لیکن در نتیجه رویت پذیری و تکرار در تداوم قرون و اعصار، سیره موصوف به عنوان بخشی از "ایمان مسلمانی" در میان مردم عادی ایران نیز تبدیل شده است. رسوب سیره و ایمان مزبور وقتی آشکارا جلوه می نماید که ایران به دوره مدرنیته یعنی انقلاب مشروطه در حال ورود است؛ تاریخ گواهی می دهد که بخشی از تقابل موافقان و مخالفان مشروطه در تدوین قانون اساسی خاصه متمم آن در بخش حقوق ملت، بروز می کند؛ موافقان مشروطه به دلیل اقتضائات مدرنیته و لوازم آن، مصلحت عمومی، فضای انقلابی و همراهی پررنگ برخی اقلیت های دینی در انقلاب و در راستای ایجاد اتحاد حداکثری در میان

<sup>۳۳</sup> همان ص ۲۶۴ و ۲۶۷.

<sup>۳۴</sup> به نظر می رسد در عقبه نفس شکل گیری مکتب/ایدئولوژی ناسیونالیسم مدنی، آشکارا نوعی مطالبه گری و خواستن نیز مستتر است که ارتباط مفهومی با موضوع مورد پژوهش پیدا می کند.

<sup>۲۵</sup> سعید عدالت نژاد، جایگاه حقوقی غیرمسلمانان در فقه شیعه و قوانین ایران، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹ ص ۴۲، ۶۰، ۶۵، ۶۹.

<sup>۲۶</sup> همان ص ۱۶، ۳۲، ۴۱، ۵۲، ۵۳، ۱۵۸.

<sup>۲۷</sup> محقق داماد، همان، ص ۱۵.

ملت در مقابله با استبداد سلطنت، طی اصل ۸ متمم قانون اساسی، کلیه افراد ملت را بدون ملاحظه رنگ و نژاد و دین و مذهب و ... در برابر قانون، "برابر" عنوان می نمایند؛ اما مخالفان به رهبری شیخ فضل الله نوری، به دلیل همان ذهنیت شدیداً ایمانی- سنتی خود، اساس اسلام و شرف مسلمانی را بر "تفاوت"<sup>۲۸</sup> می دانند.<sup>۲۹</sup> علی رغم این منازعه، با رجوع به منابع تاریخی خاصه آثار نظریه پردازان مشهور مشروطه خواه از جمله مرحوم میرزای نائینی نویسنده کتاب "تنبيه الامه و تنزیه المله"، آشکار می گردد که غالب جریان مشروطه خواه نیز ضمن تحفظ بر ملاحظات شرعی، اساس مشروطه به ویژه مقوله برابری راه، نه برابری در شرعیات بلکه در امور مدنی و سیاسی و در مقابل قانون دولتی (به تعبیر ایشان، برابری در مصالح نوع یا مشترکات نوعیه) می دانستند. با مذاقه در مفهوم این تعابیر نیز، مسائل کلانی مانند حقوق شهروندی برابر از جمله در پرداخت مالیات، رفاهیات جامعه، نظم و امنیت و سلامت ... خاطر نشان می شود. خلاصه آنکه در نهایت امر، مشروطه خواهان نیز در التزام تام به موازین برخاسته از شرع به شرح مندرج در گستره فقه جزایی از جمله نابرابری های میان اقلیت های دینی با مسلمانان در موضوعاتی مانند میزان دیه و امکان قصاص و...، با مخالفان مشروطه هم داستان بودند.<sup>۳۰</sup>

نهایتاً حجت مخالفان بر کرسی می نشیند و با ممارست ایشان، اصل دوم متمم موسوم به اصل طراز (حضور فقها جهت نظارت بر عدم مخالفت قوانین مصوب مجلس با شریعت) تصویب می گردد.<sup>۳۱</sup> معنی تصویب و حضور همزمان اصل دوم و هشتم متمم قانون اساسی، اعتبار کمافی السابق موازین فقهی فوق الذکر در مورد اقلیت ها می باشد. در اصل اول قانون اساسی، دین رسمی کشور شیعه اثناعشری معرفی شد و در این میانه اشاره ای به دیگر ادیان حتی مذاهب اسلامی دیده نمی شود. اولین تحول اساسی بعد از اعدام مخالفان مشروطه، در تصویب دومین نظام نامه انتخابات رخ می دهد که به اقلیت های دینی مسیحی، زرتشتی و یهودی اجازه داشتن نماینده در مجلس از مجلس دوم به بعد می دهد. در این مقطع زمانی، هویت های به رسمیت شناخته شده، بر اساس منابع فقه شیعی ارزیابی و تعیین می شوند که این تعیین تا به امروز در قوانین ایران بلا تغییر جریان دارد.<sup>۳۲</sup> در تدوین قانون مدنی نیز نگاه عام و همه شمول وجود داشته و ماده خاصی در ارتباط با هویت های قومی - مذهبی مدنظر قرار نمی گیرد تا اینکه در سال ۱۳۱۲ در قالب ماده واحده موسوم به "اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه"<sup>۳۳</sup> گام موثر دیگری در راستای تعیین جایگاه حقوقی و اجتماعی ایشان برداشته می شود.

<sup>۲۸</sup> . جمله تاریخی منسوب به شیخ فضل الله نوری: ای بی شرف ای بی غیرت؛ بین صاحب شرع برای این که تو منتسب به اسلامی، برای تو شرف مقرر فرموده و امتیاز داده تورا و تو خودت از خودت سلب امتیاز می کنی و می گویی من باید با مجوس و ارمنی و یهودی برادر و برابر باشم!

<sup>۲۹</sup> . داود فیرحی، دولت مدرن و بحران قانون؛ چالش قانون و شریعت در ایران معاصر، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۴۰۰ ص ۵۰-۵۹، ۲۲۲.

<sup>۳۰</sup> . داود فیرحی، آستانه تجدد؛ در شرح تنبیه الامه و تنزیه المله، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۳.

<sup>۳۱</sup> . عدالت نژاد، همان، ص ۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۸، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۸۸.

<sup>۳۲</sup> . عدالت نژاد همان ص ۱۲۲ و ۱۹۸ همچنین یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و دیگران، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۸ ص ۱۲۷.

<sup>۳۳</sup> . قانون مزبور مقرر می دارد: « نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذاهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند... ». ظاهراً پیشنهاد تصویب این قانون از سوی علی اکبرخان داور صورت پذیرفته است. عدالت نژاد همان ص ۱۴۷، ۱۶۴، ۱۶۵، ۲۰۵.

مطالب مطروحه تا بدین مرحله شمایی کلی در خصوص هویت های در اقلیت ارائه نموده و چگونگی به رسمیت شناسی جایگاه حقوقی و اجتماعی ایشان در **گستره فقه جزایی سنتی** و تحولات پس از مشروطه تبیین کرد. قانون "اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشيعه"، صرفاً از باب احوال شخصیه راهگشا بود؛ در ادامه که در واقع ورود ما به موضوع اصلی پژوهش است، بایستی کیفیت پاسداشت هویت و مقومات و متعلقات نامبردگان را در **بستر قانونگذاری های نوین کیفری** این دوره ارزیابی نمائیم؛

## ۶-۲. مقررات کیفری این مقطع تاریخی؛

**۶-۲-۱. مقررات کیفری شکلی؛** قانونگذاران صدر مشروطه مرزی بین تظلمات "عمومی و حقوق سیاسی" از یک طرف و "امور شرعیه" از طرف دیگر تصور می کردند و این دوگانه "شرعیات" و "عرفیات" را به دوگانه محاکم شرعیه و عدلیه (عرفیه) ارجاع می دادند. بعلاوه، مذکور افتاد که مخالفان و موافقان مشروطه، نهایتاً در التزام به شرع انور اشتراک نظر داشتند؛ برقرار بودن اصل دوم قانون اساسی (اصل طراز)، اثر خاص خود را در نظام قضایی بعد از تحولات مشروطه بر جای گذاشت؛ وحدت نظر وجود داشت که اجرای بخش عظیم شرع انور به ویژه در حوزه قضا (از جمله رسیدگی و حکم به تفاوت های موجود در میان اقلیت های دینی مانند میزان دیه، امکان قصاص و...) مختص فقها و علمای اسلام است. به همین دلیل در اولین تجربه های قانونگذاری قوانین کیفری **شکلی** وقت که معادل قوانین آیین دادرسی کیفری امروزی هستند، محاکم به عرفی و شرعی تقسیم شدند. محاکم شرعی در مسائل حقوقی و جزایی با حضور مجتهدین و علما تشکیل می شد. در ماده ۲۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه مصوب ۱۳۲۹ قمری، به حضور فقیه برای رسیدگی به امور شرعیه تصریح شد. مجدداً در ماده ۴۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷ ضمن حفظ محاکم شرعی، مقرر می گردد که؛ « برای رسیدگی به دعاوی و انجام اموری که مطابق اصول محاکمات حقوقی و جزایی و قوانین دیگر از وظایف حکام شرع است ...، محاکم شرع تشکیل می شود». رهبران صدر مشروطه بیشتر به تقویت امر شرعی و توسعه آن بر فراز امر عرفی رفتند؛ برعکس هر چه از صدر مشروطه فاصله می افتاد، قانونگذاران دولت پهلوی به تقویت امر عرفی و محدودسازی بی محابای شریعت به حوزه های خاصی اقدام کردند.<sup>۳۴</sup> بدین توضیح که در مدت کوتاهی بعد از تصویب قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷، در مصوبه مورخ ۱۳۰۷/۱۰/۱۱ صلاحیت محاکم شرع محدود به سه مورد شده و تقریباً مسائل جزایی از صلاحیت محاکم شرع خارج گردید.<sup>۳۵</sup>

**۶-۲-۲. قوانین کیفری ماهوی؛** روند تنازلی موقعیت محاکم شرعی در دستگاه قضایی دولت پهلوی، در مقررات ماهوی برخاسته از شرع نیز با شیئی آرام طی شد. قانون مادر در زمینه مسائل کیفری، قانون مجازات عمومی است که در سال ۱۳۰۴ تصویب شد. با توجه به اینکه قانون مجازات فرانسه مبنای کار بود، تهیه کنندگان پیش نویس می دانستند که محتوای این قانون محل مناقشه جدی از سوی فقها خواهد بود. از این رو نام آن را قانون مجازات "عمومی" گذاشتند و در ماه یک آن صراحتاً از جدایی موضوعات عرفی از مسائل شرعی صحبت به میان آمد بدین بیان؛ «مجازات های مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجرا خواهد بود و جرم هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق

<sup>۳۴</sup> . داود فیرحی، فقه و سیاست در ایران معاصر؛ فقه سیاسی و فقه مشروطه، چاپ هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹، ص ۳۶۹.

<sup>۳۵</sup> . صلاحیت محاکم شرع محدود شد به؛ دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق / دعاوی که فیصله آن نیاز به اقامه شهادت و سوگند دارد / مواردی که نیاز به نصب قیم، متولی یا وصی دارد. موارد سه گانه فوق در قانون محاکم شرع مصوب ۱۳۱۰/۹/۹ نیز تکرار می شود. فیرحی، همان، ص ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸.



حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات می شوند». این ماده از حیث حقوقی تقسیم قبلی دادگاه ها به عرفی و شرعی را به رسمیت شناخت و در عمل تدوین کنندگان توانستند علما را ساکت کنند. در اصلاحات بعدی قانون مجازات عمومی، مواد اصلاحی به نحوی نوشته شدند که به گونه ای ضمنی شامل هر شخصی بشود که در منطقه تحت حاکمیت ایران مرتکب جرم می شود از جمله در بازنگری قانون مجازات عمومی در سال ۵۲ و طی ماده سوم این قانون، برابری در برابر قانون هم در اجرا و هم در میزان مجازات به صراحت ذکر شد با این عبارات؛ «قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت ایران (اعم از زمینی، دریایی و هوایی) مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد». در نتیجه این بازنگری، تقسیم بندی دادگاه های عرفی و شرعی حذف شد. در آخرین اصلاحیه های قانون مزبور در سال ۵۲، ماده یک فوق الذکر حذف گردید! محتوای قانون در آخرین ویرایش آن، شامل همه دعاوی و همه ایرانیان بدون تبعیض جنسی و دینی می شد.<sup>۳۶</sup>

برآیند مراتب فوق آنست که به جهت استقرار یک حاکمیت سکولار در زمان پهلوی، به مرور سعی شد که مقررات واجد جنبه کیفری که ریشه در موازین فقه جزایی سنتی دارند، در ارتباط با هویت های در اقلیت اجرایی نگردد. شاید یکی از علل این رویکرد را بتوان در ملحق شدن ایران به برخی اسناد بالادستی حقوق بشری در آن دوره جستجو کرد. در این برهه زمانی، ایران یکی از ۴۸ کشور دنیا بود که در سال ۱۳۲۷ رای به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در سازمان ملل داد؛ ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، صراحتاً از حق بهره مندی ابناء بشر از هر قوم و مذهبی از کلیه حقوق مقرر در اعلامیه، حکایت دارد.<sup>۳۷</sup> مضافاً همه مواد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل را مجلس شورای ملی در سال ۱۳۵۱ و مجلس سنا در سال ۱۳۵۴ تصویب نمود. شاخص ترین حقوق و آزادی های اقوام و مذاهب در مواد دوم و بیستم میثاق [با موضوعات به ترتیب؛ بهره مندی اقوام و مذاهب از حقوق مقرر در میثاق و نیز منع تنفر و تبعیض قومی و نژادی]، تبیین شده است؛<sup>۳۸</sup> همزمانی تقریبی تصویب میثاق در سال ۵۱ با آخرین اصلاحات قانون مجازات عمومی در سال ۵۲، معنادار است. تاکید می گردد که محتوای قانون مجازات عمومی در آخرین ویرایش آن، شامل همه دعاوی و همه ایرانیان بدون تبعیض جنسی و دینی می شد.

بعلاوه قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در سال ۱۳۴۵ از طرف نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد به امضا رسیده و در تاریخ ۱۳۴۷/۴/۳۰ توسط مجلس شورای ملی [تحت عنوان؛ قانون مربوط به قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی]، تصویب شده است. فحوائی کلی قرارداد بین المللی فوق، نفی هر گونه تبعیض نژادی است.

متعاقب تاثیرگذاری تصویب اسناد فرادستی در گستره قوانین جزایی اصلی ایران به شرح فرازهای فوق، پس از مدت ها مجلس شورای ملی مبادرت به قانونگذاری کیفری متمایز و جدیدی مینماید؛ توضیحاً دولت وقت ایران به ویژه در راستای

<sup>۳۶</sup> . عدالت نژاد، همان ص ۲۰۳.

<sup>۳۷</sup> . گفتنی است مواد شانزدهم، هجدهم و بیست و ششم این اعلامیه، از آزادی اقوام و مذاهب به ترتیب در ازدواج، تغییر دین و مذهب همچنین تکلیف آموزش و پرورش در ترویج دوستی و حسن تفاهم میان اقوام و مذاهب گونه گون، داد سخن می دهد.

<sup>۳۸</sup> . در مواد چهارم، هجدهم، بیست و ششم و بیست و هفتم میثاق نیز، اشاراتی پیرامون تکلیف دولت ها به رعایت حقوق اقوام و مذاهب [به ترتیب تکلف دولت ها در پیش آمدهای اضطراری، آزادی عقیده و اندیشه و مذهب، حق حفاظت (حمایت)، حق تشکیل اجتماعات و تشکل ها و...] مقرر گردیده است.

اجرائی کردن الزامات ناشی از قرارداد بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، در تاریخ ۵۶/۴/۳۰ "قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی" را به تصویب می رساند.<sup>۳۹</sup>

صرف نظر از ملاحظه آثار دهشتبار نفرت های نژادی در فضای بین المللی بعد از جنگ جهانی دوم که منتهی به تصویب اسناد حقوق بشری فرادستی شد، نگاه اجمالی به داخل ایران در دوره پهلوی نیز موید وجود مطالبات فراگیر فرهنگی - زبانی، تنش های بین قومی و کنش ها و جنبش هایی (استقلال طلب) در میان هویت های قومی - مذهبی در برخی نقاط کشور است.<sup>۴۰</sup> ظاهراً به همین دلایل، تصویب چنین قانونی با پشتوانه و ضمانت اجرای کیفری، ضروری می نموده است. در تبیین مفاد قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی، مراتب ذیل قابل ذکر است؛ اولاً. این قانون صرفاً مقوله های مبتنی نفرت نژادی، رنگ، قومیت و جنسیت را پوشش می دهد؛ ثانیاً. مولفه مذهب و ادیان در آن راه ندارد البته با تفسیر موسع، به نظر می رسد اگر قومیت را مولفه ای بدانیم که عناصر مذهبی خاصی را نیز همزمان با خود به همراه داشته باشد، این ایراد مطرح نخواهد بود. ثالثاً. از ادبیات بکار رفته در متن قانون از جمله تعابیر «نشر، تبلیغ و وسایل تبلیغ عمومی» برمی آید که فعالیت های نفرت پراکنانه با حجم و دامنه کلان و به صورت سازمان یافته را هدف قرار داده است؛ لذا مصادیقی را که به لحاظ عنصر مادی جرم، واجد اوصاف مزبور نباشند، بعید است بتوان بر اساس قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی، مورد مجازات قرار داد. بعلاوه چه بسا برخی از مصادیق برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی به وقوع بپیوندد، لیکن در عمل، فاقد سوء نیت و نیز انگیزه سوء لازم در مرتکب آن باشد؛ شاید به جرات بتوان گفت که تعداد زیادی از موارد احصاء شده در بخش طرح مساله پژوهش حاضر، بدین نحو (فاقد عنصر معنوی لازم در مرتکب) ارتکاب یافته است. لذا، این ایرادات به قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی وارد است. این قانون علی رغم اینکه کماکان معتبر می باشد لیکن ظاهراً کمتر دیده شده و ابعاد آن به صورت بایسته ای تبیین نشده است به نحوی که برخی پژوهشگران به اشتباه، حتی صحبت از عدم جرم انگاری جرائم مبتنی بر نفرت در سوابق قانون گذاری ایران نموده اند.<sup>۴۱</sup> نگارندگان نیز علی رغم پیگیری های فراوان نتوانستند در رویه قضایی، سابقه ای از استناد به این قانون پیدا نمایند. علت امر، شاید وجود همین ایرادات احصایی باشد یعنی چه بسا این قانون مصداق عینی نیافته است.

<sup>۳۹</sup> . متن قانون بدین بیان است؛ ماده ۱: «نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس و نفرت نژادی و تحریک به تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس، [به وسیله]، یکی از وسایل تبلیغ عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشد و نیز هر نوع مساعدت منجمله کمک مالی به فعالیت های تبعیض نژادی ممنوع است و مرتکب به حبس جنحه ای تا شش ماه یا به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد مگر این که عمل به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری باشد که در این صورت مجازات اشد قابل اعمال خواهد بود.

تبصره؛ منظور از وسایل تبلیغ عمومی در این ماده عبارت از نطق در مجامع عمومی یا رادیو یا تلویزیون، انتشار اعلامیه، چاپ و نشر کتاب و روزنامه و مجله، نمایش فیلم و امثال آن هاست.

ماده ۲؛ هر کس به منظور تبلیغ تبعیض بر اساس نژاد یا قوم و یا جنس یا به منظور ایجاد نفرت یا دشمنی و یا به منظور ایجاد نفاق بر اساس نژاد و قوم و یا جنس، جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال یا به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم می شود. مجازات قبول عضویت در جمعیت فوق حداقل مجازات مذکور خواهد بود...».

<sup>۴۰</sup> . آبراهامیان، همان ص ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۹۰، ۲۶۸، ۲۵۱. همچنین جلالی پور، همان ص ۳۶۱.

<sup>۴۱</sup> . مریم عباچی، جرم های مبتنی بر نفرت، در تازه های علوم جنایی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲ ص ۵۷۹.

۶-۳. **برآیند نهایی این مقطع تاریخی؛** مقررات احصاء شده صدرالاشعار، بضاعت قانونگذاری این مقطع زمانی است. چه بسا بتوان گفت که طبق استانداردهای جهانی آن زمان، کافی بوده و قابل دفاع است؛ اما آنچه مفقود می باشد، فقدان مقررده ای قانونی با رویکردی کیفی است که از مقومات و متعلقات هویت های در اقلیت حراست نماید. قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی نیز علی رغم قابل تحسین بودن، صرفاً جرائم مبتنی بر نفرت را جرم انگاری نموده است و در بردارنده حد اعلاهی احترام به این هویت ها نمی باشد. برخی معتقدند که جایگاه اقلیت ها در دوره پهلوی، فقط به لحاظ جنبه های اجتماعی و نه به لحاظ حقوقی بهبود یافت چرا که حکومت کار جدی در خصوص اصلاح وضع حقوقی آنان و اصلاح قوانین بعمل نیاورد؛ علاوه بر شواهد تاریخی پیرامون تحرکات جنبش های استقلال طلب به شرح فوق، به نظر می رسد اصرار حکومت پهلوی به ناسیونالیسم فرهنگی با محوریت ایران باستان و نادیده گرفتن هویت مستقل قومی - مذهبی ایشان، موجبات نارضایتی اقلیت ها را فراهم می آورد.<sup>۴۲</sup> مضافاً برخی داده های تاریخی در مسیری برخلاف تلاش های ظاهری رژیم پهلوی در تصویب یا پیوستن به اسناد حقوق بشری تضمین کننده حقوق اقلیت ها است؛ از جمله، فراگیرترین و در عین حال مبعوض ترین حزب سیاسی، حزب توده می باشد؛ این حزب مروج اندیشه ناسیونالیسم مدنی یعنی برابری اجتماعی و حقوق برابر برای همگان خاصه اقلیت ها بوده و طرفداران زیادی در بین هویت های قومی - مذهبی داشت؛ جالب آنکه یکی از دلایل اصلی ممنوعه بودن این حزب، اتهام الحاد دینی و جاسوس بودن گردانندگان این حزب یعنی ارامنه، یهودیان و مهاجران قفقازی و ... است!<sup>۴۳</sup> جملگی مراتب فوق، نهایتاً رهبران شناخته شده اقلیت ها را در شمار موافقان انقلاب اسلامی ای قرار داد که از تضمین حقوق ایشان می گفت.<sup>۴۴</sup>

#### ۷- دوره دوم؛ مطالعه قانون گذاری های پس از انقلاب اسلامی تا اوایل دهه نود؛

در فضای انقلابی این دوره و بنا بر ملاحظاتی مشابه آنچه که قرین با انقلاب مشروطه بود، حقوق مکتسب همان هویت های قومی - مذهبی به رسمیت شناخته شده در سابقه امر به ویژه در قالب قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه، وارد قانون اساسی جدید کشور می شود. اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی به ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته شده، اختصاص یافته است؛<sup>۴۵</sup> بعلاوه اصول پانزدهم و نوزدهم قانون اساسی، مواضعی هستند که طی آن به مقوله نژاد و اقوام اشاره شده است.<sup>۴۶</sup> برآیند اصول احصاء شده فوق از قانون اساسی آن است که به مانند موازین و مقررات مقطع زمانی پیشین، اولاً همه ادیان و فرقه در ایران به رسمیت شناخته نشده اند؛ دوماً. ظاهراً نسبت به هویت های به رسمیت شناخته نشده، قوانین عام کشور (از جمله مقررات کیفی) طبق دین و مذهب رسمی اعمال خواهد شد.

<sup>۴۲</sup> . آبراهامیان، همان ص ۲۰۰ همچنین عدالت نژاد، همان ص ۲۱۲.

<sup>۴۳</sup> . آبراهامیان، همان ص ۳۴۷، ۳۶۳، ۴۷۲، ۵۱۰، ۵۵۶.

<sup>۴۴</sup> . همان ص ۶۴۴، ۶۵۱، ۶۵۶.

<sup>۴۵</sup> . بر اساس اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی، در کنار مذهبی رسمی کشور یعنی شیعه اثناعشری، مذاهب دیگر اسلامی مشتمل بر حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل شناخته می شوند؛ بعلاوه ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی به رسمیت شناخته می شوند.

<sup>۴۶</sup> . اصل پانزدهم قانون اساسی مقرر می دارد: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آن ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». اصل نوزدهم قانون اساسی نیز مقرر می دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

۷-۱. **مقررات کیفری در این مقطع تاریخی؛** فرض ما آن است که رفتاری از سوی فردی رخ داده و صرف نظر از قصد و انگیزه مرتکب، نتیجه آن رفتار، برانگیختگی و طغیان احساسات قومی- مذهبی است؛ حقوق کیفری ایران در این برهه تاریخی با چه تدابیر و ساز و کارهایی به مقابله با این پدیده، می رفت؟؟ واقعیت آن است که از انقلاب اسلامی تا دهه نود شمسی شاهد سه دوره اصلی و متمایز قانونگذاری کیفری بوده ایم یعنی دوره دهه شصت و تنظیم لوایح حدود و قصاص و دیات/ دهه هفتاد و تنظیم قانون مجازات اسلامی در این سال و لایحه تعزیرات در سال ۷۵/ و قانونگذاری های سال ۹۲ به بعد. دوره های مزبور نسبت به موضوع پژوهش حاضر فراز و فرودهایی را تجربه نموده اند؛ ذیلاً ابتدا مقررات کیفری مرتبط با ادیان و مذاهب را پی می گیریم.

۷-۱-۱؛ **مقررات کیفری مرتبط با ادیان و مذاهب؛** در فضای همراهی و همدلی انقلابی و به تاسی از اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی، در اولین تجربه های قانونگذاری یعنی طی ماده ۲۰ لایحه قانونی مطبوعات مصوب شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۵/۵/۵۸ برای اهانت به دین اسلام و مقدسات آن، **یا سایر مذاهب رسمی کشور** مجازات حبس از شش ماه تا دو سال تعیین شد بدین شرح؛ «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن، یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند به شش ماه تا ۲ سال حبس جنحه ای محکوم می شود». این قانون صرفاً متعلق به فضای مطبوعات است و برای سایر عرصه ها فعلاً راه حلی پیش بینی نشده است؛ مدتی پس از پیروزی انقلاب، شورای انقلاب قانون مجازات عمومی را مغایر با احکام اسلامی می داند و آن را لغو می کند. با نبود قانون جایگزین، قضات که غالب آنها در آن هنگام روحانی و با فقه و نه حقوق آشنا هستند، حق پیدا کردند در موارد کیفری به فتاوی مشهور فقها بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی تکیه کنند؛<sup>۴۷</sup> شاید همین غور نیروهای قضایی اوایل انقلاب در فضای **فقه جزایی سنتی** موجبات جذب و اعلام وفاداری مجدد ایشان به بنیان های مبتنی بر تفاوت های موجود بین مسلمان و هویت های در اقلیت را فراهم می آورد به نحوی که در مقررات کیفری مصوب اوایل دهه شصت، مجدداً شاهد رجعت به مقوله هایی مانند تفاوت در دیه، عدم امکان قصاص قاتل مسلمان و ... هستیم. این رویکرد در قانونگذاری های دهه هفتاد نیز تداوم یافت.

ناگفته نباید گذاشت که برخی رویدادهای اجتماعی در دهه هشتاد و بروز مصلحت های خاصی، لایتغیر بودن احکام شرعی نسبت به غیرمسلمانان را کنار زده و قانونگذار با نگاه قابل درکی، سعی در ترمیم و ارتقای حقوق اجتماعی هویت های در اقلیت نمود. این تغییر مسیر نه از طریق فقه و فقها بلکه با مصلحت سنجی های عرفی مجمع تشخیص مصلحت نظام میسر گردید.<sup>۴۸</sup> ظاهراً رویکرد محاکم کشور در پرونده های قتل و صدمات بدنی همچنین روش شرکت های بیمه در قراردادهای بیمه خودرو و تصادفات در مورد هویت های در اقلیت و پرداخت نکردن مبالغی مازاد بر دیه شرعی در مورد ایشان، مورد اعتراض فعالان مدنی و انتقاد نمایندگان این اقلیت ها در مجلس قرار می گیرد.<sup>۴۹</sup> با ممارست ایشان، نهایتاً مجمع در مورخه ۶ دی ۱۳۸۲ تبصره دومی به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی افزود که مطابق آن طبق نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی به اندازه دیه مسلمان تعیین می شود. تحول بعدی برابری دیه بدون لحاظ جنسیت و دین در تصافات رانندگی بود که ابتدائاً در قالب بخش نامه اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ رییس قوه قضاییه مطرح و سپس رسماً در

<sup>۴۷</sup> . عدالت نژاد، همان ص ۲۵۷.

<sup>۴۸</sup> . هادی رستمی، رویارویی نص گرایی و مصلحت گرایی در سیاست جنایی ایران، در "چکیده مقالات همایش بین المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو شرع و حقوق"؛ همان، ص ۱۲۱.

<sup>۴۹</sup> . عدالت نژاد، همان ص ۲۶۷.

قانون بیمه اجباری مصوب ۸۷ منعکس می شود. محتوای قوانین اخیرالذکر عیناً در قانونگذاری های دهه نود نیز در قالب ماده ۵۵۴ ق.م.ا منعکس شد. در هر حال و علی رغم تلاش های به عمل آمده در راستای ارتقای جایگاه حقوقی و اجتماعی هویت های در اقلیت، کماکان شاهد برخی از این نابرابری های حقوقی در قانونگذاری کیفی دهه نود نیز هستیم که خارج از بحث ماست.

قید «سایر مذاهب رسمی کشور» در لایحه مطبوعات صدرالذکر در تحولات قانونگذاری بعدی، جای خود را به قرائت رسمی مذهب تشیع از مقدسات سایر ادیان داده و این قرائت با قید «مقدسات اسلام و یا انبیای عظام الهی»، وارد ادبیات قانونگذار در حوزه توهین به مذاهب شده است.<sup>۵۰</sup> به نظر می رسد در حوزه توهین به مذاهب و برانگیختگی احساسات مذهبی با خلاء های قانونی و چالش های جدی مواجه بودیم، به نحوی که قوانین موجود، همه مصادیق و نیازها را تکافو ننموده و حتی حمایت از تمامی تعلقات اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته شده را نیز تحت پوشش خود قرار نمی داد.<sup>۵۱</sup> تنها مقررات قابل اتکای باقی مانده، مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است که توهین به اشخاص عادی و کارکنان دولتی را پیش بینی نموده است. علی رغم این که قانون مجازات اسلامی، قانون مادر در حقوق کیفری ایران محسوب می شود، لیکن بضاعت قانون حاضر در ارتباط با جرم عام توهین، همین ماده ۶۰۸ است؛<sup>۵۲</sup> ادبیات بکار رفته در آن از جمله قید «افراد»، توجهاً به اصول حقوق جزا از جمله اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و نیز تفسیر به نفع متهم، مانع از تسری مراتب به غیر افراد است و نمی توانیم با آن توهین به اشخاص حقوقی را مجازات نماییم. ماده ۶۰۹ نیز با همین کیفیت، صرفاً توهین به کارکنان و مقامات دولتی را جرم انگاری کرده است. نیاز به توضیح ندارد که در ماده ۶۰۸ هیچ گونه اشارتی به مقوله های اقوام و مذاهب دیده نمی شود.<sup>۵۳</sup> و<sup>۵۴</sup>

مقررات احصاء شده به شرح فوق، تنها بضاعت مقررات کیفری ایران در حمایت از مقوله های مذهبی در این مقطع تاریخی است که به طور صریح و واضح از اقلیت های مذهبی و مقدسات ایشان صحبت به میان نیاورده است؛ به نظر می رسد آنچه

<sup>۵۰</sup> مواد قانونی ذیل الذکر، گویای این امر است؛ ماده ۵۱۳ بخش تعزیرات مصوب ۷۵ مقرر می دارد؛ «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا ۵ سال محکوم خواهد شد».

همچنین ماده ۶ (اصلاحی ۷۹/۱/۳۰) از فصل چهارم قانون مطبوعات مقرر می دارد؛ «نشریات جز در موارد اخلاق به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی، که در این فصل مشخص می شوند، آزادند؛ ... ؛ بند ۷؛ اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن ...»؛

مضافاً ماده ۲۶۲ ق.م.ا مصوب ۹۲ مقرر می دارد؛ «هر کس پیامبر اعظم (ص) و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند ساب النبی است و به اعدام محکوم می شود. تبصره؛ قذف هر یک از ائمه معصومین (ع) و یا حضرت فاطمه زهرا (س) یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی است».

<sup>۵۱</sup> در این برهه زمانی، در سطح اجرایی، پستی موسوم به «دستیار ویژه رئیس جمهور در امور اقوام و اقلیت های دینی و مذهبی» وجود دارد؛ تیترا خبری ذیل جالب توجه است؛ «یونسی پیگیر جرم انگاری اهانت به مقدسات اقلیت ها». به گزارش خبرگزاری ایسنا، حجت الاسلام علی یونسی طی سخنانی در نشست شورای هم اندیشی اقوام و اهل سنت، اظهار کرد؛ «پیگیر این موضوع هستیم تا اهانت و توهین به مقدسات ادیان و مذاهب اقلیت ها، جرم محسوب شود». مطلب حاضر، خود حاکی از آن است که مقامات اجرایی کشور نیز، به خلاء های قانونی موجود اشراف دارند. خبرگزاری ایسنا. مورخ ۹۴/۱۰/۱ www. Isna.ir/news. ۹۴۱۰۰۱۰۰۳۰۲ کد خبر

<sup>۵۲</sup> ماده ۶۰۸ مقرر می دارد؛ «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

<sup>۵۳</sup> حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اشخاص. چاپ سی و یکم. تهران؛ نشر میزان، ۱۴۰۰ ص ۴۸۶؛ همچنین حسین آقایی نیا، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). چاپ سوم. تهران؛ نشر میزان، ۱۳۸۵ ص ۲۷ و ۳۴.

<sup>۵۴</sup> توضیحاً؛ بند ۸ ماده ۶ قانون مطبوعات، اشخاص حقیقی و حقوقی هر دو را صریحاً پیش بینی نموده است بدین شرح؛ «افترا به مقامات، نهادها، ارگان ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس و کاریکاتور باشد».

از ظاهر مواد فوق می توانستیم به نفع اقلیت های دینی استنباط نماییم، اشاره به دیگر انبیای الهی به جز حضرت محمد (ص) و نیز عناصر و مولفه هایی در دیگر ادیان و مذاهب است که به طور مسلم و قطعی، مورد احترام دین اسلام نیز می باشد؛<sup>۵۵</sup> لذا، مصادیق و عناصری از سایر ادیان و مذاهب که به جهت شائبه جعل و تحریف و ساخته دست و اندیشه بشر بودن، مورد پذیرش و احترام اسلام به ویژه مذهب رسمی کشور، شیعه دوازده امامی نباشد [مانند تثلیث مستنداً به آیات مبارکه ۱۷۱ و ۱۷۲ سوره نساء و کتب مقدس نامبردگان]، از حیطة قوانین موصوف خارج بوده و مورد حمایت کیفری این قوانین قرار نمی گرفتند. بایستی مواضع اختلاف موجود بین مذهب رسمی کشور با دیگر مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته شده را نیز به این نارسایی ها افزود.

**۷-۱-۲؛ مقررات کیفری مرتبط با اقوام؛** در این مقطع، مقررات کیفری مرتبط با اقوام با خلاء کمتری مواجه است؛ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی در حوزه اقوام و نیز برانگیختگی احساسات قومی از صراحت خاصی برخوردار است؛<sup>۵۶</sup> ملاحظه می شود که قانون مطبوعات ضمانت اجرای کیفری نسبتاً قابل اعتنایی را برای هرگونه مصداق برانگیختگی احساسات قومی [به شرح مقرر در بند ج ماده ۲ و نیز بند ۴ ماده ۶]، مقرر نموده و آن را قابل مجازات بر اساس محتوای ماده ۶۹۸ ق.م.ا [اتهام تشویش اذهان عمومی] دانسته است؛ لیکن نکته قابل ذکر آن است که این مقررات صرفاً مصادیقی را تحت پوشش قرار می دهند که در بستر مطبوعات رخ دهد؛ توضیحاً مطبوعات تعریف خاص خود را دارد که در ماده ۱ قانون مطبوعات و تبصره های مربوطه تشریح شده و شامل نشریات کاغذی، الکترونیکی (در محیط رقمی) و خبرگزاری های داخلی می گردد. با عنایت به موضوع حاضر، به نظر می رسد که آن دسته از مصادیق برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی که از طریق صدا و سیما و شبکه های تلویزیونی و یا سینما و فیلم رخ بدهد، شامل قوانین مطبوعاتی نخواهد بود و بدین جهت بایستی به عمومات مراجعه کنیم.

## ۷-۲. تجربه یک پرونده در رویه قضایی کشور طبق قوانین جاری در این مقطع زمانی؛

جمعیت یکی از شهرستان های استان اصفهان متشکل از سه قوم و نژاد مختلف شامل ترک تباران و لر تباران [که غیربومیان و مهاجرین به منطقه طی چندین دهه اخیر بوده اند] و نیز فارس زبانان [بومیان شهرستان] می باشد؛ تفاوت های فرهنگی فاحشی که مابین دو گروه اول (ترک و لر) با گروه سوم وجود دارد، موجبات تولید اصطکاک، تضاد و کشمکش در میان توده مردم شده و دامنه آن حتی در میان مقامات اجرایی شهرستان نیز سرایت می کند. موضوع پرونده از این قرار است که، هفته نامه شهرستان که مدیر مسئول آن نیز، نماینده آن شهرستان در چندین دوره مجلس می باشد و تعلق به گروه

<sup>۵۵</sup> . میرمحمدصادقی، همان ص ۵۱۳.

<sup>۵۶</sup> . بند ج ماده ۲ و نیز بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات مقرر می دارد؛

ماده ۲؛ «رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از؛ ...؛

بند ج؛ تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه برانگیز و قرار ندادن افشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و...». بعلاوه ماده ۶ (اصلاحی ۷۹/۱/۳۰) از فصل چهارم مقرر می دارد؛ «نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی، که در این فصل مشخص می شوند، آزادند؛ ...

بند ۴؛ ایجاد اختلاف مابین افشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی».

تبصره ۲ (الحاقی ۷۷/۵/۲۱)؛ متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازات های مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد و در صورت اصرار مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می باشد».

فارس زبانان بومی دارد، مبادرت به انتشار مطلبی نموده که آئینه تمام‌نمای اختلافات موجود میان بومیان و غیربومیان شهرستان مزبور است؛ متن مطلب منتشر شده در هفته نامه، حول تنش، تقابل، سوء تفاهم و اختلافات تعدادی از اعضای شورای اسلامی شهرستان مزبور (که متعلق به قوم ترک زبان هستند) با دیگر اعضای شورای اسلامی و احیاناً دیگر مقامات اجرایی آن شهرستان (که متعلق به فارس زبانان بومی آن منطقه است)، می باشد. فحوای کلی مطلب چاپ شده نیز [نقل به مضمون با رعایت حداکثری رسم امانت]، انتقاداتی تند نسبت به نمایندگان ترک تبار است که طی آن متهم به صفاتی چون بخشی‌نگری [یعنی داشتن تعصبات قومی]، حسد، کینه توزی، خود محوری، زورگویی و تزویر و... می گردند؛ در پایان مطلب منتشره نیز، مطالبی خطاب به غیربومیان مرقوم شده است بدین عبارات: «اینجا شهر... است؛ شهر بومیان این شهر؛ و در آینده گورستانی خواهد بود برای غیر بومیان که دشمنان این شهر و فرهنگ این شهر هستند». با شکایت مطروحه، به جهت کسوت نمایندگی مجلس داشتن مدیر مسئول نشریه مزبور، مراتب به دادگاه های شهرستان تهران ارجاع شده است؛ متن دادنامه اصداری بدین شرح می باشد:

« در خصوص اتهام آقای ع. ح دایر بر نشر مطالب خلاف واقع و توهین به شکات از طریق انتشار مطالبی در هفته نامه «ر. ش»، اجمالاً بدین توضیح که شکات که همگی از اعضای سابق شورای اسلامی شهر... بوده، اعلام داشته اند؛ متهم با انتشار مطالبی نظیر؛ «پرسش مردم شهر ... از شورای شهر؛ آیا شهر ... شهر حکما و علما و شهدا با ۱۵۰ هزار جمعیت، نمی توانست یک شهردار از فرزندان خودش داشته باشد؟!» و تشبیه اعضای شورای شهر به گروه +۱، باعث تشویش اذهان عمومی و ایجاد اختلاف بین قومیت های مختلف ساکن در شهر ... گردیده است و به لحاظ این که مطالب فوق در هفته نامه تحت مسئولیت متهم انتشار یافته تقاضای رسیدگی و تعقیب و مجازات مشارالیه را کرده اند؛ دادگاه نظر به محتویات پرونده از جمله شکایت شکات خصوصی، ملاحظه متن منتشر شده در هفته نامه تحت مسئولیت متهم، تحقیقات صورت گرفته و کیفرخواست صادره از دادسرای فرهنگ و رسانه و اظهارات و دفاعیات ناموجه متهم و با عنایت به این که اعضای هیات منصفه مطبوعات نیز با اکثریت آراء، متهم را از باب نشر مطالب خلاف واقع، مجرم دانسته علیهذا، بزهکاری وی را در این خصوص محرز تشخیص و مستنداً به بند ۱۱ ماده ۶ و ماده ۳۵ قانون مطبوعات و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) و با رعایت تبصره ذیل ماده ۳۵ قانون مطبوعات به لحاظ اعلام عذر خواهی مکرر متهم در جلسه رسیدگی دادگاه و اظهار بی اطلاعی از مضمون خبر درج شده، با اعمال یک درجه تخفیف مطابق بند ت ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مشارالیه را به پرداخت مبلغ بیست میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس به نفع صندوق دولت محکوم می نماید...»<sup>۵۷</sup>.

مطلب شایسته ذکر پیرامون تجربه پرونده حاضر آن است که، علی رغم اصرار شکات به مرجع قضایی پیرامون امکان صدور یک رای نمادین در راستای اقناع توده ها و فروکش نمودن تنش تولید شده در منطقه، در نهایت رای قطعی پرونده امر منتهی به محکومیت متهم صرفاً به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون تومان شد! و آنچه باقی ماند نارضایتی مردم منتسب به هویت های قومی، در منطقه بود. مضافاً به جهت خلاء های قانونی، معلوم نیست که اگر پرونده حاضر در فضایی خارج از مطبوعات رخ می داد، مواد استنادی و فحوای رای مرجع قضایی، چه می توانست باشد!؟

**۳-۷. برآمد این مقطع تاریخی؛** تا این مقطع زمانی در گستره قوانین کیفری ایران به هر دلیل، نمی توانیم یک نص قانونی پیدا نماییم که به طور جامع و شامل، دغدغه های موجود پیرامون احترام به اقوام و مذاهب را پاسخگو باشد. قوانین متعددی وجود دارند که هر یک گوشه ای از رسالت حمایت و پشتیبانی از حرمت و احترام اقوام و مذاهب را متکفل می باشند لیکن امکان حمایت از برخی فروض و مصادیق به کمک هیچ یک از قوانین موجود میسر نبود. این نقیصه در کنار

<sup>۵۷</sup> . محتویات پرونده شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۵۴۰۰۱۹۲ در شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران که عیناً در دیوان عالی کشور نیز مورد تایید قرار گرفته است. نگارندگان از نزدیک در جریان روند پرونده حاضر قرار داشتند بدین توضیح که نویسنده مسئول، وکالت شکات را بر عهده داشت.

وقوع بسیاری از رخداد‌های تنش آفرین به کیفیت احصاء شده در سطور پیشین، کافی بود تا بستر لازم برای شروع فرآیند قانونگذاری های دوره نوین فراهم گردد که در ادامه به آن می پردازیم.

## ۸- دوره سوم؛ دوره نوین قانون گذاری های کیفری ایران (دهه نود شمسی)؛

دهه ۹۰ شمسی (خاصه از سال ۱۳۹۲ به بعد) شاهد یک دوره جدید قانون گذاری کیفری در ایران بوده است؛ قوانین مادر شامل قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی دچار تحولات عمیقی شدند و قوانین فرعی متعددی نیز از تصویب مجلس گذشت؛ نگاه مصلحت اندیشانه قانونگذار در قبال هویت های در اقلیت که از اواسط دهه هشتاد آغاز گردیده بود در این دوره نیز تداوم یافت و حتی ارتقای بیشتری پیدا نمود از جمله می توان به مواد ۳۱۰، ۴۷۱ و ۵۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که به ترتیب به موضوعات قصاص غیر مسلمان در برابر ذمی، مستامن، معاهد/ پرداخت دیه جنایات خطای محض ارتكابی توسط اقلیت های دینی از سوی دولت/ برابری دیه اقلیت های دینی با دیه مسلمانان، اختصاص دارند. مضافاً می توان از ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۹۵ یاد کرد که به تکلیف شرکت های بیمه در پرداخت دیه و خسارات، بدون لحاظ نمودن جنسیت و دین حادثه دیدگان، اشاره دارد. مضافاً در این دوره، قانونگذار نفس امکان طغیان احساسات قومی - مذهبی را مسلّم دانسته و حتی تعبیر مزبور را عیناً در یک نص قانونی به کار برده است؛ قانونگذار در ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقرر می دارد؛ «محاکمات دادگاه علنی است مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی غیر علنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند؛ ...

بند ب؛ علنی بودن محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد».

بند حاضر به وضوح نمایانگر آن است که قانونگذار، نسبت به خطیر بودن موضوع احساسات قومی - مذهبی آگاه بوده و در صدد مقابله با طغیان آن است. موضوع در حالی است که در مقطع تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ( یعنی سال ۹۲ که از سال ۹۴ لازم الاجرا گردید)، هنوز مصادیق زیادی از بروز تنش ها و اصطکاکات قومی - مذهبی در سطح جامعه رخ نداده است. مآلاً، اتخاذ رویکردهای نوین توسط قانونگذار در دهه فوق یک روی سکه است. دهه مزبور از بعد سیاسی/ اجتماعی نیز یکی از متمایزترین برهه های تاریخی ایران می باشد؛ عنصر متمایز کننده آن را شاید بتوان " **خواستن و مطالبه گری** " از سوی مردم دانست؛ در میان زوایا و سوگیری های متعدد این خواست های مردمی، رگه هایی از اعتراض و مطالبه گری نسبت به مقوله های واجد جنبه هایی از حقوق کیفری نیز قابل ردیابی است؛ از میان آنها آنچه مربوط به موضوع پژوهش حاضر است را در ادامه پی خواهیم گرفت.

در نتیجه رخ دادن شمار زیادی از اصطکاکات قومی - مذهبی (به شرح احصاء شده ذیل بخش طرح مساله پژوهش حاضر)، در این دهه و بازتولید تنش هایی در سطح جامعه، نهایتاً و طی دوره دهم مجلس شورای اسلامی خاصه در سال ۹۷، شاهد ارائه شدن سه طرح به مجلس به ویژه با تلاش و پیگیری های نمایندگان مناطق سکونت این اقلیت های دینی و مذهبی هستیم؛<sup>۵۸</sup> با مذاقه در متن این طرح ها به ویژه مقدمه توجیهی آنها، کاملاً هویداست که ارائه کنندگان طرح، با آگاهی و اشراف کامل از نقص های تقنینی موجود در حوزه موضوع پژوهش حاضر، مترصد ترمیم، تکمیل و اصلاح خلاء های قانونی هستند.

<sup>۵۸</sup> . مشاهده اسامی نمایندگان امضاکننده پیش نویس طرح های مزبور موبد این امر است.



طرح اول در تاریخ ۹۷/۱۰/۳ و با عنوان «**توهین به ادیان و مذاهب قانونی، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع قومیت ها**»<sup>۵۹</sup> ارائه می شود؛ ماده اصلی آن مقرر می داشت: «هر کس علناً نسبت به ادیان و مذاهب قانونی و مقدسات مسلم آن ها، اقوام ایرانی، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع قانونی آن ها توهین کند حسب مورد به سه ماه تا سه سال حبس محکوم می شود. تبصره: ارائه مباحث علمی در نفی یا اثبات حقانیت هر کدام از موارد مذکور و طرح مباحث و مستندات تاریخی، توهین تلقی نمی گردد».

طرح دوم که ظاهراً دغدغه مندی جولان داعش در اطراف کشور و برخی عرفان های نوظهور در سطح داخلی کشور را دارد، طرح «**الحاق دو ماده به قانون مجازات اسلامی**»<sup>۶۰</sup> است که در تاریخ ۹۷/۱۰/۱۲ ارائه شده و اینگونه مقرر می دارد:

"ماده واحده؛ دو ماده به عنوان ماده ۴۹۹ و ۵۰۰ مکرر به فصل اول باب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵ به شرح ذیل اضافه می گردد". متن ماده ۴۹۹ مکرر که ارتباط محتوایی با موضوع طرح اول نیز دارد، مقرر می داشت: «هر فرد یا گروهی با رفتار افراطی و یا تکفیری دینی، مذهبی، قومی یا نژادی یا اقداماتی که مبین تشکیل فرقه بوده، موجب تنفر یا خشونت در میان پیروان ادیان الهی یا مذاهب اسلامی شناخته شده در قانون اساسی یا اقوام گردد، چنانچه رفتار وی مشمول مجازات حد نباشد، به حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا هر دو مجازات محکوم می گردد».

طرح سوم که در متن توجیهی خود، دغدغه "رفع" القای شبهه از سوی معاندین در موضوع وفاداری اقلیت های قومی - مذهبی نسبت به میهن و نظام را دارد، طرح «**مبارزه با تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی**»<sup>۶۱</sup> است که در تاریخ ۹۷/۹/۲۴ ارائه می شود؛ مواد اولیه این طرح مشابهت بسیاری به طرح اول دارد لیکن مواد بعدی آن (مجموعاً در ۱۷ ماده مفصل)، سودای تحقق ناسیونالیسم مدنی به معنی واقعی کلمه (یعنی تساوی کلیه اتباع در هر زمینه) را در سر دارد و در صدد برانداختن هر گونه تبعیضی در کشور است؛ ذکر ابعاد ۱۷ ماده تفصیلی این طرح از حوصله نوشته حاضر خارج است اما ظاهراً ماده شاخص این طرح ماده ۶ آن می باشد که مقرر می داشت: «هر نوع تبعیض علنی یا پنهانی، تمایز، ممنوعیت، محدودیت، محرومیت، عدم تساوی در حقوق و رجحانی که بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، قومیت، دین یا مذهب در کار و استخدام، توزیع فرصت های شغلی، منصب و مشارکت در ادارات و شرکت ها و موسسات دولتی و عمومی برخلاف قانون انجام گیرد ممنوع بوده و مرتکب به مجازات درجه ... مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد».

در ادامه و به جهت نظرات کارشناسی اداره کل تدوین قوانین<sup>۶۲</sup> و اداره کل اسناد و تنقیح قوانین<sup>۶۳</sup> پیرامون وجود مشابهت های فراوان در محتوای هر سه طرح و نیز وجود سوابق قانون گذاری در برخی زمینه های مزبور همچنین این ایراد که برخی از مسائل مانند مقدسات مسلم اقلیت ها، آداب و رسوم اقوام و ... اختلافی بوده و امکان برخورد سلیقه ای و تشتت آراء وجود خواهد داشت و نیز ملاحظه این امر که تساوی حقوق افراد ملت در اصول قانون اساسی درج شده و نواقص موجود در سطح جامعه با قانونگذاری های کیفری مکرر، چاره نشده بلکه مستلزم فرهنگ سازی های عمومی است و ...، نهایتاً طی گزارش یک فوریتی کمیسیون قضایی و حقوقی خطاب مجلس شورای اسلامی در مورخ ۹۸/۱۱/۱۲ و با جرح و تعدیل ها و اصلاحات متعدد، نام و محتوای هر سه طرح ادغام شده و با عنوان مشترک "**طرح الحاق دو ماده به کتاب پنجم**"

<sup>۵۹</sup>. این طرح با شماره ثبت ۵۱۶ در سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (rc.majlis.ir/fa) و در لینک طرح ها و لوایح قابل مشاهده است. توضیحاً اسم اصلی این طرح، " طرح الحاق موادی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و بازدارند) در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی" است؛ لیکن در داخل متن آن، عنوان فصل بیست و نهم را «توهین به ادیان و مذاهب قانونی، فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع قومیت ها»، نام گذاری نموده اند. به همین دلیل از عنوان اخیر الذکر در متن پژوهش حاضر استفاده نموده ایم.

<sup>۶۰</sup>. این طرح با شماره ثبت ۵۲۴ در سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (rc.majlis.ir/fa) و در لینک طرح ها و لوایح قابل مشاهده است.

<sup>۶۱</sup>. این طرح با شماره ثبت ۵۰۶ در سایت مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (rc.majlis.ir/fa) و در لینک طرح ها و لوایح قابل مشاهده است.

<sup>۶۲</sup>. به شرح ضمیمه طرح "مبارزه با تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی"؛ ص ۹-۱۱.

<sup>۶۳</sup>. به شرح ضمیمه طرح "مبارزه با تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی"؛ ص ۱۲-۱۶.

**قانون مجازات اسلامی** در قالب مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر تصویب می شود. با آغاز به کار مجلس یازدهم، طرح ادغام شده اخیرالذکر با همان نام جهت بررسی به شورای نگهبان ارسال شد؛ شورا نیز با وارد نمودن ایرادهایی طی دو مرحله، مجدداً طرح را به مجلس بازگرداند که با لحاظ و مرتفع نمودن ایرادات شورای نگهبان، محتوا و دغدغه های هر سه طرح فوق با حذفیات زیاد و ویرایش های متعدد، مجموعاً در قالب مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر فعلی،<sup>۶۴</sup> ادغام و تصویب نهایی شده و از تاریخ ۹۹/۱۰/۲۴ صورت قانونی به خود گرفت. در تبیین مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر با محتویات لازم الاجرای فعلی، مراتب ذیل شایان ذکر است؛

۱- قانونگذاری به عنوان یکی از شئون اصلی حاکمیت، مهمترین ابزار سیاستگذاری در حوزه های گوناگون و هدایت و راهبری رفتار و سلوک اشخاص خصوصی و عمومی در راستای اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حکومت ها به شمار می رود.<sup>۶۵</sup> در این راستا، قانونگذار دوره جدید، طغیان احساسات قومی- مذهبی را جدی گرفته و به نحو معناداری به دنبال احترام به متعلقات هویت های قومی و نیز حراست از ارزش ها و باورهای قدسی اقلیت های دینی به رسمیت شناخته شده، خاصه مذاهب اسلامی است.

۲- قانون گذار در ماده ۴۹۹ مکرر سعی در تقویت هویت های قومی - مذهبی به رسمیت شناخته شده نمود لیکن به موجب بخش هایی از ماده ۵۰۰ مکرر، ناهمسویی خود را با جریان های نوظهور دینی صراحتاً اعلام داشت.

۳- محتویات طرح های اول و دوم به ترتیب با جرح و تعدیل هایی در قالب مواد ۴۹۹ مکرر و نیز ۵۰۰ مکرر صورت قانونی به خود گرفت؛ اما تقریباً هیچ یک از مفاد طرح سوم (مقابله با تبعیض نژادی، تنفر قومی و مذهبی) به مواد مصوب فعلی، راه نیافت؛ در حالیکه برخی از فرازهای این طرح دربردارنده اندیشه های بایسته و درخور تاملی بود و حداقل به صورت نمادین می توانست واجد اثر باشد؛ به ویژه ماده ۸ این طرح اگر صورت قانونی به خود می گرفت، برای اولین بار در ادوار قانونگذاری های ایران، می توانستیم شاهد جرم انگاری جرائم مبتنی بر نفرت دینی باشیم؛ این ماده ارتکاب جرائم عادی با انگیزه های

<sup>۶۴</sup> . ماده ۴۹۹ مکرر مقرر می دارد؛ «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن، به قومیت های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی، توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می شود.

تبصره ۱- منظور از توهین موارد مندرج در قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ می باشد.

تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد و یا از سوی ماموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می شود».

- مضافاً بخش هایی از ماده ۵۰۰ مکرر نیز که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، از پی می آید؛ صدر ماده ۵۰۰ مکرر مقرر می دارد؛ «هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه های کنترل ذهن و القائات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می گردد؛ ... ؛

۲- هر گونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه های دینی و مذهبی از قبیل ادعای اولوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (ع).

تبصره ۴؛ امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده ۴۹۹ مکرر این قانون خارج است».

<sup>۶۵</sup> . انصاری، همان ص ۱۷.

نژادی، جنسیتی، قومیتی، ملیتی، دینی یا مذهبی را با حداکثر مجازات آن جرم، قابل مجازات می دانست. توضیحاً جرم انگاری جرائم مبتنی بر نفرت دینی، در ایران فاقد سابقه بوده لیکن جرم انگاری جرائم مبتنی بر نفرت قومی - نژادی را می توانستیم در قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی مصوب ۵۶/۴/۳۰ ملاحظه نمائیم.<sup>۶۶</sup>

۴- ظاهراً با تصویب مواد موصوف، حداقل به صورت نمادین<sup>۶۷</sup> دغدغه ها و توقعات منسوبین به اقوام و مذاهب کشور تدارک شده است؛ اما مطلب بسیار مهم، ایرادات و چالش های معتابه مواد مصوب فعلی به شرح زیر است؛

- همانگونه که به مناسبت تبیین گردید، خیلی از مصادیق برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی به صورت غیر عمد رخ می دهد؛ اما ماده ۴۹۹ مکرر برای فروع با سبق تصمیم و آگاهی، تعیین تکلیف نموده و به نظر می رسد که قید " در غیر این صورت" در فراز اخیر ماده مزبور به فرض عدم تحقق نتیجه " یعنی تولید خشونت یا تنش" علی رغم وجود سبق تصمیم و آگاهی، ارجاع دارد؛ هر چند که قائل به مجازات فروع غیرعمد نیستیم اما مقصود آنست که چه بسا در آینده مصادیقی از تنش های قومی - مذهبی ارتکاب یابند که امکان پاسخ دهی کیفری با تکیه بر این قوانین جدید نیز فراهم نباشد؛ لذا تنش های برآمده در این فروع را جز از طریق تدابیر خارج از حقوق کیفری، نمی توان چاره نمود.

- با وجود گذشت بیش از دو سال از تصویب مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر، به نظر نمی رسد که محتویات این مواد تا جایی که ارتباط با موضوع مورد پژوهش (یعنی توهین به اقوام و مذاهب) دارد، در آرای مراجع قضایی انعکاس یافته باشد؛<sup>۶۸</sup> به همین دلیل، مطالعه و تحلیل رویه قضایی در حال حاضر میسر نیست؛ لیکن به نظر می رسد لحاظ شدن قید " یا علم به وقوع آن [خشونت یا تنش] داشته باشد" در قالب بخشی از عنصر روانی جرم، می تواند در رویه قضایی نقش تعیین کننده ایفاء نموده و از دیگر سو چه بسا امکان برخورد های سلیقه ای را در پرونده های مختلف مهیا نماید. احتمالاً رویه قضایی فرض را در غالب پرونده ها بر علم مرتکب بر وقوع تنش و خشونت، لحاظ نموده و زمینه را برای محکومیت مرتکب فراهم نماید. علت این امر تجربه حافظه تاریخی ایرانیان به ویژه در دهه اخیر است؛ بدین توضیح که با رفتارهای ارتكابی نه چندان توأم با قصد و انگیزه ای، حساسیت و تنش های قومی - مذهبی قابل ملاحظه ای به وقوع پیوسته است. مفروض گرفتن علم به وقوع تنش در مرتکب رفتار مادی، می تواند با فراهم نمودن بستر لازم برای محکومیت قضایی مرتکب، فضای لازم برای مدیریت تنش تولید شده را نیز، مهیا نماید. ناگفته پیداست که مفروض گرفتن این علم برای همه پرونده ها، می تواند تالی فاسد داشته و برای برخی مرتکبین رفتار مادی، همراه با اجحاف و بی انصافی باشد. نکته ظریفی است که رویه قضایی باید برای آن مصلحت اندیشانه تدبیر نماید.

- در سه طرح اولیه، قیودی مانند "مقدسات مسلم مذاهب و ادیان/ فرهنگ، زبان، آداب و رسوم مشروع اقوام و ..." درج شده بود که حداقل فایده آنها می توانست تعیین شدن محدوده حداکثری حمایت قانونی از این مولفه ها باشد؛ توضیحاً هدف تدوین کنندگان طرح ها آن بود که متعلقات این مذاهب و ادیان و اقوام، صرف نظر از اینکه طبق قرائت دین و مذهب رسمی کشور (شیعه اثناعشری)، محترم دانسته شوند یا خیر، مورد حمایت قانونی قرار گیرد؛ بعلاوه فلسفه ارائه این طرح ها، تدوین قوانینی بود که موجبات مقابله با برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی و تقریب هویت های مردمی به همدیگر که

<sup>۶۶</sup> . گفتنی است به موجب بند ح از ماده ۱۴ لایحه تعزیرات (منتشر شده از سوی مرکز پژوهش های مجلس در تاریخ اول آبان ۱۴۰۱)، "ارتکاب جرم به لحاظ ملیت، نژاد، قومیت یا مذهب بزه دیده"، به عنوان یکی از جهات عمومی تشدید مجازات پیش بینی شده است که در صورت تصویب نهایی آن، جرائم مبتنی بر نفرت در ایران، دیگر با خلاء قانونی مواجه نخواهد بود.

<sup>۶۷</sup> . برخی صاحب نظران، یکی از توجیهاات کیفرگذاری را اثر "تقیحی/اعلامی کیفر"، عنوان می نمایند بدین توضیح که قانونگذار صرف نظر از اعمال عملی مجازات، در صدد اعلان ارزشهای مورد احترام جامعه می باشد. علی صفاری، مقالاتی در جرم شناسی و کیفرشناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۹۴، ص ۲۴۸.

<sup>۶۸</sup> . اخباری در این خصوص رسانه ای نشده و حداقل، نگارندگان به هیچ موردی دسترسی نیافتند.

در یک کلام، همان تحقق ناسیونالیزم مدنی است را فراهم آورد؛ لیکن از متن برخی ایرادات گرفته شده بر این طرح ها پیش از ادغام نهایی سه طرح، برمی آید که برخی از تعلقات و مقومات هویت های قومی - مذهبی، **اختلافی اند!** به همین دلیل و با استدلالِ احتراز از برخورد سلیقه ای محاکم در آینده، از ذکر جزئیات مزبور در متن نهایی قانون خودداری شده است؛ مثلاً در ماده اول طرح سوم مسائلی مانند اهانت به همسران و صحابه پیامبرانِ ادیان و مذاهب به رسمیت شناخته شده، همچنین تخریب اماکن مذهبی و مقابر ایشان تصریح شده بود لیکن به دلیل همین اختلافی بودن، قانونگذار نهایتاً به متن مواد مصوب با کیفیت فعلی بسنده نمود. در حالی که همین اختلافات بود که سابق بر این، موجبات اصطکاک را فراهم می آورد. مضافاً در فرضی که یک طرف اصطکاک و مناقشه، دین و مذهب رسمی کشور باشد، ابعاد موضوع پیچیده تر می شود؛ آنگونه که در برخی از مصادیق رخ داده در کشور در سالهای اخیر ( از جمله در موضوع انتخابات شورای شهر یزد، مقام مذهبی اهل تسنن در آزادشهر و نیز سخنرانی رییس قوه قضاییه) قابل ملاحظه است.

**نتیجه گیری؛** نتیجه گیری از جمیع مطالب عنوان شده، مستلزم نگاه مجدد به پرسش های پژوهش حاضر است؛ پرسش اصلی، نحوه پاس داشت و تضمین حرمت و احترام هویت های در اقلیت قومی - مذهبی در قوانین کیفری ایران بود و پرسش فرعی نیز چگونگی کنش گری و ایفای نقش از سوی ذینفعان موضوع می باشد؛ در سطور پیش رو هر یک از پرسش ها به صورت علی حده مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛

الف. نحوه پاس داشت و تضمین حرمت و احترامِ هویت های در اقلیت قومی - مذهبی در قوانین کیفری ایران؛

۱- می توان گفت که این مقوله از بستر فقه جزایی سنتی تا تحولات منتهی به مشروطه و حکومت پهلوی و متعاقباً از انقلاب اسلامی تاکنون فراز و فرودهای فراوانی به خود دیده است؛ فقه جزایی بر استقرار و تداوم موازین مبتنی بر تفاوت بین مذهب رسمی کشور با هویت های در اقلیت اصرار می ورزد؛ علی رغم وجود تفاوت نگاه بین موافقان و مخالفان مشروطه نسبت به مقوله "برابری"، در مجموع به نظر می رسد که حتی موافقان مشروطه نیز در این حوزه (تفاوت شرعی در جایگاه حقوقی - اجتماعی هویت های در اقلیت) با مخالفان مشروطه اشتراک نظر داشته و اساساً امکان تغییر رویکرد نسبت به مسائل شرعی را میسر نمی دانستند؛ برابری از نظر موافقان مشروطه صرفاً در ارتباط با حقوق شهروندی و مسائل مدنی و سیاسی مطرح بود. نتیجه این تحفظ بر مسائل شرعی، شکل گیری محاکم شرعی است که با مداخله فقها و قضات شرع، طبق موازین شرعی در مسائل حقوقی و جزایی مبادرت به رسیدگی و قضاوت نمایند. بدیهی است که تظلمات مربوط به هویت های در اقلیت نیز طبق همان آموزه های مبتنی بر تفاوت در بستر فقه جزایی، مورد رسیدگی قرار می گرفتند.

۲- با شروع حاکمیت پهلوی، با گذاری آرام نسبت به موازین شرعی مواجه هستیم؛ در ابتدا سعی می شود میزان مداخله فقها و قضات شرعی در مسائل قضایی کاسته شده و به حوزه های خاصی از جمله رسیدگی به امور خانواده و احوال شخصیه محدود شود. متعاقباً قوانین ماهوی در راستای شمول تام و تمام نسبت به کل افراد جامعه از جمله هویت های در اقلیت، اصلاح می گردد. به نظر می رسد علت این امر، شرایط حاکم بر جامعه بین المللی و تصویب شدن اسناد حقوق بشری فرادستی مشتمل بر نفی انگاره های تبعیض آمیز است که ایران نیز حسب عرف رایج وقت، به آن ها ملحق می شده است. نقطه عطف این مقطع تاریخی، تصویب شدن قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی در ایران است که همسو با اسناد فرادستی بین المللی، به زرادخانه کیفری ایران علاوه شده و رسالت مقابله با جرائم مبتنی بر نفرت نژادی را بر عهده گرفته است. با این وجود در این برهه تاریخی نیز هیچ مقرر قانونی با رویکرد کیفری وجود ندارد که صراحتاً از حرمت و احترام هویت های در اقلیت و متعلقات و مقومات ایشان پاسداری نماید.

۳- با وقوع انقلاب اسلامی، موضوع مورد پژوهش دچار یک انقباض اولیه و سپس توسعه گام به گام شده است؛ محتوای شریعت محور حاکمیتِ برخاسته از انقلاب اسلامی که خود را عمیقاً مقید به موازین شرعی می داند، در ابتدا ظاهراً چاره ای

جز اجرای نصوص شرعی در خصوص هویت های در اقلیت برای خود نمی بیند لذا مرحله انقباض یعنی رجعت به موازین شرعی مبتنی بر تفاوت، آغاز می گردد. در ادامه که حاکمیت مستقر شده و با واقعیات جامعه از نزدیک آشنا می شود، به مرور و از دهه هشتاد، ارتقای تدریجی جایگاه حقوقی - اجتماعی هویت های در اقلیت را شروع می نماید. موضوع بیشتر حول مسائل جزایی خاصه برابری میزان دیه در جرائم علیه تمامیت جسمانی و تصادفات و شرکت های بیمه است. این برابری با حکم حکومتی و با پشتوانه نفوذ نگاه عرفی مجمع تشخیص مصلحت نظام تثبیت می شود. تا دهه نود شمسی، صرف نظر از تحقق مقوله برابری دیه، در حوزه احترام به حرمت و احترام هویت های در اقلیت، کماکان خلاء تقنینی وجود دارد به نحوی که مقررات کیفری، صرفاً از منظر قرائت مذهبی رسمی کشور، به مقومات و متعلقات هویت های در اقلیت می نگرد و آنچه را که مورد پذیرش طبق الهیات شیعه اثنا عشری نباشد را شایسته پاسداری نمی داند. این وضعیت موجب می شود که در مصادیق وقوع اصطکاک ها و برانگیختگی های احساسات قومی - مذهبی، امکان برخورد قضایی شایسته در راستای مهار و کنترل تنش های برخاسته از ناآرامی ها فراهم نباشد. شایان ذکر است مقررات کیفری موجود تا این مقطع تاریخی، امکان واکنش متناسب نسبت به توهین به مقومات هویت های در اقلیت دینی را ندارند بعلاوه حوزه اقوام نیز فاقد ضمانت اجرای کیفری کارآمدی است؛ صرفاً محتویات قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی در دسترس رویه قضایی است؛ نحوه نگارش این قانون که بیشتر جرایم سازمان یافته ی نفرت پراکنی نژادی را هدف قرار داده است، امکان تسری به مصادیق غیرسازمان یافته را به رویه قضایی نمی دهد. شایسته ذکر است که صرفاً در حوزه قوانین مطبوعات ضمانت اجرای کیفری قابل اعتنایی وجود دارد. مجموع این نقایص و خلاء ها قانونگذار را در دهه نود متقاعد به در انداختن طرحی نو می نماید.

۴- در آغاز دهه نود شمسی، قانونگذار اشراف کامل به جوانب موضوع و خلاء های موجود پیدا نموده است؛ به دلیل وقوع تعداد قابل توجهی از مصادیق برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی در دهه نود، قانونگذار در مقام تدبیر موضوع برآمده و با راه اندازی کارزاری در چند جبهه فعالیت در قالب ارائه سه طرح مختلف در صدد چاره نمودن اساسی موضوع بود. نتیجه نهایی تلاش قانونگذار در دهه نود، وضعیت موجود مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی است. قانونگذار در قالب این مواد مصوب، آشکارا حمایت خود از حرمت و احترام مقومات و متعلقات هویت های در اقلیت قومی - مذهبی را عنوان نموده و با مجازات قابل توجهی در مقام تضمین آن برآمده است.

۵- نتیجه گیری نهایی از پرسش اصلی پژوهش، آنست که نگاه کرامت مدار و احترام آمیز نسبت به هویت غالب اقلیت های قومی - دینی - مذهبی، بالاخره و رسماً در سامانه ارزش های مورد حمایت قانونگذار کیفری ایران وارد شده است؛ تقدم فضل این حمایت در قیاس با دوره ای مانند حاکمیت نسبتاً سکولار پهلوی آنست که این ارتقای جایگاه حقوقی - اجتماعی هویت های در اقلیت، توسط یک حاکمیت شریعت محور رخ داده است. شریعتی که انگاره های مبتنی بر تفاوت در آموزه های جزایی اولیه آن وجود دارد.

ب. چگونگی کنش گری و ایفای نقش از سوی ذینفعان موضوع؛

به نظر می رسد که بکارگیری ملاحظات مندرج در سیاست های کلی نظام قانونگذاری ایران<sup>۶۹</sup> در روند تصویب قوانین مورد نیاز، همه آن چیزی است که در یک جامعه متکثر به لحاظ قومی - مذهبی، خیر عمومی را در پی داشته و می تواند به تحقق ناسیونالیسم مدنی مساعدت نماید. در این راستا مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر را (که آخرین و تکامل یافته ترین نسخه نسبت به جایگاه و احترام به متعلقات و مقومات هویت های قومی - مذهبی در ایران است)، شاید بتوان یکی از نمونه های

<sup>۶۹</sup>. از جمله، "معطوف بودن به نیاز واقعی، ابتناء بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تاثیر اجرای قانون، نگاه بلند مدت و ملی، جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی نفعان و نهادهای قانونی مردم نهاد تخصصی و صنفی در فرآیند قانونگذاری، عدالت محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا و...".

موفقی دانست که جمیع ملاحظات مزبور در روند تصویب آن رعایت شده است؛ تنها مطلب، در ارتباط با معیار جلب مشارکت حداکثری ذی نفعان (در پژوهش حاضر، گروه های قومی - مذهبی و یا نمایندگان این گروهها)، می باشد؛ واقعیت آنست که سیاست های کلی نظام قانونگذاری ایران در مورخه ۱۳۹۸/۷/۶ موجودیت رسمی پیدا نموده است؛ موضوع در حالیهست که پیش از این تاریخ و چه بعد از آن، نمی توانیم در سازو کارهای قانونگذاری ایران، مکانیزمی در قالب ابتکار عام قانونگذاری برای مردم و یا حتی گروه های مردمی و ذینفعان یک موضوع شناسایی بنماییم؛ حداقل تا این برهه چنین تدبیری تعبیه نشده است؛ حقیقت آنست که کنشگری تابعان و ذی نفعان موضوع مورد پژوهش در ادوار مختلف قانونگذاری ایران، نه در قالب ابتکار قانونگذاری و ارائه پیش نویس یک متن قانونی به قانونگذار بلکه بیشتر در قالب تحرکات و کنش های استقلال طلبانه در ادوار دور یا حداقل در زمان نزدیکتر در قالب اعتراضات و مطالبات دامنه دار خیابانی و بروز تنش هایی در برخی مناطق کشور متعاقب برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی، بوده است؛ این الگوی کنشگری در روند تصویب قوانین کیفری، مختص موضوع مورد پژوهش نبوده و در غیاب یک مکانیزم عام برای ارائه ابتکارات قانونگذاری توسط مردم و گروه های مردمی و ذینفعان، در غالب قانونگذاری های کیفری ایران در دهه نود قابل رد یابی و شناسایی است.<sup>۷۰</sup> شایان ذکر است که سهم چشم گیر در اجابت مطالبات مزبور را می توان برای نمایندگان هویت های قومی - مذهبی در مجلس شورای اسلامی قائل شد بدین توضیح که با تلاش های این نمایندگان، تصویب نهایی مقررات دهه نود به بار نشست است.

باری، از زمان مشروطه تا کنون، تکاپو برای اولویت یافتن اندیشه ناسیونالیسم مدنی بر دو نوع دیگر یعنی ناسیونالیسم فرهنگی و قومی جریان داشته است؛ هر چند در بیشتر این دوران، غلبه با رویکرد فرهنگی بوده است اما سرعت رشد گونه مدنی آن از بستر حقوق کیفری، از دهه هشتاد فزونی گرفت و در اواخر دهه نود در یک تعامل موفق دو سویه بین مطالبه صریح مردمی و اجابت مراتب از سوی نمایندگان منتخب ملت در مجلس، به اوج خود رسید. هر چند این تلاش ها، کماکان ناتمام است و خلاء هایی به ویژه از باب ابعاد اثباتی همچنین گستره شمول، وجود دارد. لاجرم بایستی برای تحقق تکامل یافته تر ناسیونالیسم مدنی از مسیر حقوق کیفری در انتظار دوره های تقنینی بعدی نشست.

## راه کارها و پیشنهادات؛

- همانطور که به مناسبت تبیین گردید، در عمل و در مقام اثباتی، مصادیق فراوانی از گستره شمول مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر خارج خواهند بود. لذا به نظر می رسد تقریب اقوام و ادیان و مذاهب در راستای تحقق ناسیونالیسم مدنی، مستلزم اتخاذ تدابیر سیاسی کلان در سطح حکمرانی و نیز فرهنگ سازی عمیق در حوزه عمومی است و از این مقررات کیفری جدیدالتصویب نیز، انتظار زیادی نمی توان داشت.

- به نظر می رسد حتی در فروض عمدی تحقق این جرایم نیز، با مجازات حبس یا جزای نقدی برای مرتکب، اتفاق خاصی در محل تولید تنش، رخ نخواهد داد و توده مردم در آن منطقه آرام نخواهند نشست آنگونه که در پرونده تجربه شده در سطح رویه قضایی به شرح سطور پیشین ملاحظه شد. پیشنهاد آنست که از ظرفیت مجازات های جایگزین (تدابیر فرهنگی خاص در این زمینه مانند الزام به عذرخواهی و برگزاری همایش های فرهنگی اقوام و مذاهب و ...) بهره برداری گسترده شود.

<sup>۷۰</sup> بدین توضیح که بسیاری از قوانین اخیرالتصویب، "حادثه/ کیس محور" بوده اند و به دنبال وقوع یک حادثه خاص با ابعاد گسترده، با برجای گذاشتن آثار ماندگاری در اذهان مردم کشور، قانونگذار را متقاعد به وضع قانون متناسب یا اعمال اصلاحاتی در قوانین موجود نموده است. قوانین تشدید مجازات حمل اسلحه سرد، تشدید مجازات فرزندکشی، تشدید مجازات اسیدپاشی، ارتقای حرمت و جایگاه هویت های قومی - مذهبی در قالب تصویب مواد ۴۹۹ مکرر و ۵۰۰ مکرر و ... از این الگو پیروی نموده اند. بعید نیست که این الگوی تقنینی را در وقایع بعد از ناآرامی های شهریور ۱۴۰۱ نیز شاهد باشیم.

- در راستای مدیریت فضای تنش آلود برخاسته از مصادیق برانگیختگی احساسات قومی - مذهبی، می توان به رویه قضایی پیشنهاد نمود در مصادیقی که سوء نیت مجرمانه مرتکب آشکار نیست، در راستای فراهم نمودن زمینه محکومیت مرتکب رفتار مادی جرم، فرض اولیه را بر "علم مرتکب به وقوع خشونت یا تنش"، بگذارد؛ بدیهی است که رعایت حقوق دفاعی متهم امر علی حده ای می باشد و بایستی طبق موازین جاری، مراعات گردد.

- تعبیه سازوکاری به منظور کنش گری و امکان ابتکار قانون (وضع قانون جدید یا اصلاح قوانین موجود) برای جمهور ملت و گروه های مردمی و ذینفعان امر، روزنه ای خواهد بود که کل نظام قانونگذاری ایران از جمله حوزه سیاست جنایی را با لایه های مختلف اجتماع، تغییرات اجتماعی و کلیت جامعه بیشتر آشنا و همراه می نماید. مقوله ای که پیشاپیش، امکان آینده پژوهی را برای متولیان امر، میسر خواهد نمود.<sup>۷۱</sup>

---

<sup>۷۱</sup> . در مورخه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱ همایشی در سطح ملی توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی با عنوان "بررسی موانع مشارکت مردمی و ارائه راه کارهایی برای ارتقاء نقش مردم در حکمرانی" برگزار شده است. این امر، خود حکایت از دغدغه مندی بخشی از نظام قانونگذاری کشور نسبت به موضوع حاضر است.

## منابع

- انصاری، باقر، اصول و فنون قانونگذاری؛ تنظیم پیش نویس طرح ها و لوایح، تنقیح و تدوین قوانین، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۹.
- آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و دیگران، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۸.
- آقای نی، حسین. جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). چاپ سوم. تهران؛ نشر میزان، ۱۳۸۵.
- جلایی پور، حمیدرضا، جامعه شناسی سیاسی ایران (تلاش های چهل ساله ملت و دولت ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰.
- رستمی، هادی، رویارویی نص گرایی و مصلحت گرایی در سیاست جنایی ایران، در "چکیده مقالات همایش بین المللی تحولات حقوق کیفری کشورهای اسلامی در پرتو شرع و حقوق"؛ ۱۴ و ۱۵ اسفند ۱۳۹۷، برگزار کننده؛ موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرمشناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشر میزان، چاپ اول زمستان ۹۷.
- ریپر، ژرژ، نیروهای پدیدآورنده حقوق، ترجمه رضا شکوهی زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۶.
- زارعی، آرمان، پست سکولاریسم؛ دین، دولت و حوزه عمومی در غرب، چاپ اول تهران، نشر نی، ۱۳۹۷.
- صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع (رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی)، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۱.
- صفاری، علی، مقالاتی در جرم شناسی و کیفرشناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل ۱۳۹۴
- عدالت نژاد، سعید، جایگاه حقوقی غیرمسلمانان در فقه شیعه و قوانین ایران، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹.
- فیرحی، داود، دولت مدرن و بحران قانون؛ چالش قانون و شریعت در ایران معاصر، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۴۰۰.
- فیرحی، داود، آستانه تجدید؛ در شرح تنبیه الامه و تنزیه المله، چاپ چهارم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹.
- فیرحی، داود، فقه و سیاست در ایران معاصر؛ فقه سیاسی و فقه مشروطه، چاپ هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۹.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، جستارهایی تحلیلی در حق ها و آزادی ها، دفتر دوم، چاپ چهارم، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
- قاضی، ابوالفضل، بایسته های حقوق اساسی، چاپ هفتم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰.
- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۴۰۱.
- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، چاپ سی و پنجم، تهران، نشر نی، ترجمه منوچهر صبوری، ۱۳۹۹.
- عباچی، مریم، جرم های مبتنی بر نفرت، در تازه های علوم جنایی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه ۵ بخش عمومی؛ سیاسی، اداری، حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران، نشر مرکز علوم اسلامی، ۱۳۹۹.
- محمدنسل، غلامرضا. مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری. چاپ دوم. تهران؛ نشر دادگستر، ۹۱.
- میرمحمدصادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص. چاپ سی و یکم. تهران؛ نشر میزان، ۱۴۰۰.

## سایت ها؛

اعتدال پرس آذربایجان. ۹۴/۸/۲۱. [www. Etedalpress.ir](http://www.Etedalpress.ir)

ایسنا. ۹۴/۱۰/۱. [www. Isna.ir/news](http://www. Isna.ir/news)

پیج توییتر و اینستاگرام دکتر محمد هادی ذاکر حسین؛ M.H.Zakerhossein

پرونده استنادی؛ پرونده شماره ۹۶۰۹۷۰۲۲۵۴۰۰۱۹۲ اصداری از شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان تهران در پرونده کلاسه ۹۶۰۰۲۸ و به تاریخ تنظیم ۹۶/۷/۱۱ که عیناً در دیوان عالی کشور نیز مورد تایید قرار گرفته است.



**Title; Civil nationalism through criminal legislation in Iran;**

(Study of the process of activities leading to the legislation of criminal laws supporting ethnic-religious identities in Iran)

**Abstract;**

Civil nationalism is a type of "belief in the nation" in Which, despite the existence of diversity and fragmentation in cultural, ethnic, and religious components, is defined mainly based on the equal right of citizenship and the will to live together. In Iran, since the constitutional revolution until now, there has been an effort to prioritize the idea of civil nationalism over competing types, namely cultural and ethnic nationalism, in which emphasis is placed on language, religion, history, or common heritage and the revival of the great civilization of the past. Although in most of this period, the cultural approach has prevailed, the growth rate of its civil type from the context of criminal legislations increased from the eighties and reached its peak in the late nineties when three bills were presented in the 10th and 11th parliaments. These bills includes the bill of "Insulting the legal religions, culture, language and legitimate customs of ethnic groups"/ the bill of "Adding two articles to the Islamic Penal Code/ and the bill of "Repressing of Racial Discrimination, Ethnic and Religious Hatred" which Finally, parts of the content of all three bills were merged and Enacted in the form of "Repeated" Articles 499 and 500 of the Taziraat section of the Islamic Penal Code. In this effort in the nineties, the demand of the people on the one hand, and the response of the elected representatives of the nation in the parliament, especially the representatives of ethnic and religious identities in the minority, played a prominent role. However, these efforts are still incomplete and there are serious gaps, especially in relation to technical burden of proof and the scope of inclusion.

**Keywords; Civil nationalism, ethnic-religious minorities, insulting ethnic – religions Identities, public will, criminal legislation**